

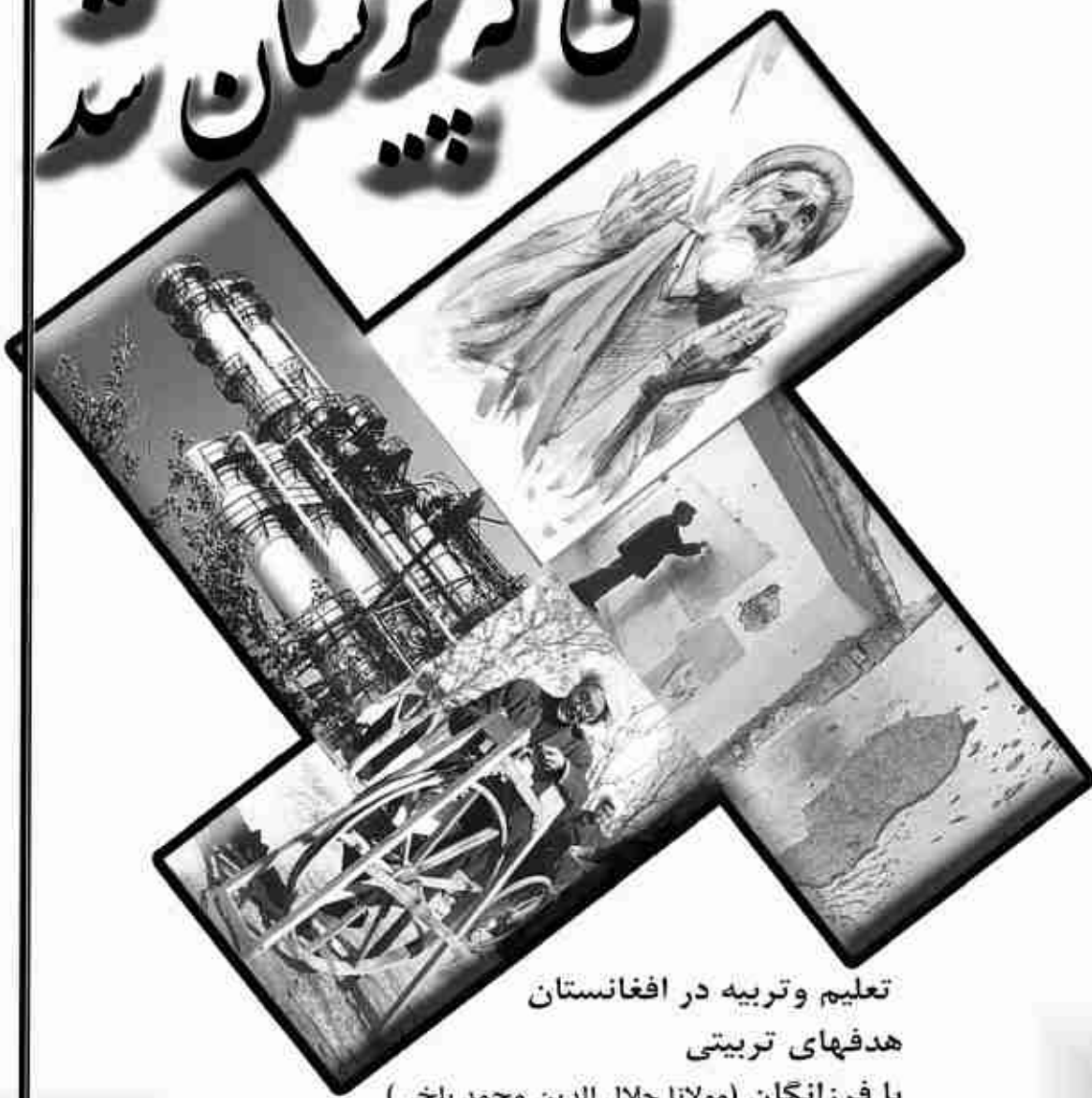
اوپن



فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

سال اول، شماره یکم، جوزا (خرداد) 1383 قیمت 5 افغانی (100 تومان)

ملکی که پرستان است



تعلیم و تربیه در افغانستان

هدفهای تربیتی

با فرزندگان (مولانا جلال الدین محمد بلخی)

سازماندهی رجیستری

انتقال تکنولوژی

منطقه بندی چیست؟

در این شماره می خوانید

- آغازین کلام / 2
- هدفهای تربیتی / 3
- تعلیم و تربیت در افغانستان / 5
- با فرزندگان (مولانا) / 7
- ملکی که پریشان شد / 10
- نهی قوم گرایی / 12
- کجاوه سخن / 13
- مصاحبه / 17
- سازماندهی رجیستری / 18
- ترفندهایی از رجیستری / 19
- آدرس های اینترنتی / 19
- انتقال تکنولوژی / 20
- میگرن / 25
- منطقه بندی چیست؟ / 27

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



صاحب امتیاز: انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

مدیر مسئول: سید سلیمان حسینی

Click_manager@parsimail.com

سر دبیر: سید تقی موسوی

sayednaghi_moosavi@yahoo.com

هیئت تحریریه:

شاهزاده حسین حیدری، سید محمد تقی موسوی،

رقیه قربانی، مریم حسینی، معصومه ناصری، محمد یونس احمدی

همکاران این شماره:

سید موسی صدر، رضا صالحی،

محترم محمد رحمتی، سید انور موسوی

امور کامپیوتر: موسوی

آدرس وب سایت: www.clickmagazin.8m.net

پست الکترونیکی: clickmagazin2@parsimail.com

آدرس مشهد: گلشهر، سی متری یعقوبی، خیابان

امیرالمومنین 1، پلاک 168 (حسینی) تماس: 2782663

آدرس کابل: دشت بزچی، قلعه ناظر، عبدالعلا

احسانی (دانشجوی دانشکده ساینس، دانشگاه کابل)

نشریه کلیک:

- ☑ نشریه کلیک کاملاً مستقل و آزاد می باشد
- ☑ از تمام محققین، پژوهشگران و دانشجویان دعوت به همکاری می نماید. و از مقالات ارسالی استقبال می کند.
- ☑ حق ویرایش مطالب ارسالی برای مجله محفوظ است.
- ☑ مطالب انتشار یافته صرفاً به منزله دیدگاه نشریه نمی باشد.
- ☑ مطالب ارسالی بازگردانده نمی شود.

افغان کلام

را هموار سازيم، بعد از اين بايد نکايو داشت تا ديگر مرتکب اشتباهات عظيم نشويم تا نسلهاي آني دعا گويمان باشند نه نفرين کنندگانمان!!
بايد بار ديگر ، گام در سبيل علم و فرهنگ نهاد و برگي تازه از دفتر سزوشتمان را با خطي خوش و با افتخار بنگاريم.
نقطه آغاز دفتر دوم: تاريخ ما کجاست؟ جواب بسيار ساده و روشن است!
« خودما »

آغازگر ما هستيم (ملت افغانستان) پس ابتدا خودسازي، ابتدا مجهز کردن خود به سلاح علم و فن و سپر ايمان (سپري برای توري جستن از افات و معزلات)، خودسازي مهمترين اصل در رسيدن به اهداف است. اگر هنوز وجود ما از امراض و ويروسهاي کشنده « نفاق » « دورويي » ، « خودبتر بختي » ، « دين فراموشي » ، « وطن فروشي » پاک و مبرا نشده باشد، اين امراض و ويروسها را بايد بگره به سرعت در جامعه انتشار نتوانند يافت و بار ديگر تلخي انام و روزگار به ما رو خواهد کرد و تاريخ تکرار مي شود.

اين اولين وظيفه ماست که وجودمان را پاک و عاري از هر بيماري کنيم و با نيروي مضاعف از دو منبع قدرت يعني « علم » و « دين » وارد اجتماع شويم و دومين وظيفه انساني و اجتماعي خود را به انجام رسانيم، و آن بازسازي و نوسازي جامعه ملت و کشور است و در اين راه بايد از هر آنچه که داريم بگذاريم تا جامعه اي سالم، ملتي سربلند و کشوري آزاد و آباد داشته باشيم.

واين اسانلهای فرهنگته و دانشمندان هستنده که سبب جاري جامعه را بسوي دريای موفقيت و بهروزي رهنمون مي دارند و ايتان هستند که ناسان و حتی ناسان را فدای دين و کشورشان مي کنند تا همواره با وجداني آسوده و روحي سبکبار بزيند.

نشریه « کليک » هر چند که مدعي برداشتن گام اول از سوي خود، بطور تمام و کمال نيست ولي با همياري روشن آديشان و دين مداران و دانش پژوهان اين خاک و به لطف و کرم در گناه ربوبيت قدم در سبيل نوم نهاده است و به اميد اینکه با انعکاس افکار و اينده هاي نو و سخنان خردمندانه جامعه و همچنين پرداختن به مشکلات معزلات موجود در جامعه با ديدي بي طرفانه و خيرخواهانه، بتواند چراغي از انش علم و فرهنگ و همکاري را در جامعه روشن کند و به لطف و کرم ايزد منان اين شعله را هر روز شعله و تر سازد.

اعضای خانواده کوچک « کليک » به دور از هر گونه تعصب جاهلانه، تندروي ها، فرقه گراني ها و وابستگي قومي يا مذهبي و گروهی ، پاک و بي آلايش ، صادقانه و خالصانه ، در جهت خدمت به ملت شريف افغانستان تلاش مي کند و بي شک در اين راه صعب العبور نياز به همراهان و همکلامان صادق و وفادار ييش از همیشه احساس مي شود، پس ما را در اين راه همراه باشيد.

و من ... توضیح

سردبير

« منته خدايي را بخور و دل که طاعتش موجب قدرتم است » به شکر اندرش عزيز نعمتم »

شايد تصور کودكي بي آسيان که غير خفت طار زندگي اندوهناکي، صورت زيبايش را در پس پرده زشت خود پنهان کرده از منظر چشمانمان عبور کرده باشد و با تصويري از ويروان سراه، ناپسانهها و دلتهای ندياري ها، جنازه ها و ...

و شايد هم شايد! برای اندكي درنگ کرده باشيم و به جرابي آن انديشيده باشيم.

ولي بسيار سريع از گلزارشان به سهولت پاسخ دادن به يك سوال ساده و تکراري گذشته ايم اما هيچگاه نخواسته ايم که علت اين ناپسانهها را ريشه يابي کنيم و تنها کاري که کرده ايم با توجه به علايق شخصي و يا وابستگي هاي جناحي خود گسائي و يا گروه هايي غير از خود و گروهمان را متهم کرده ايم و در دادگاه خصوصي خودمان حکم بر مجرم بودن ديگران داده ايم، و هيچ گاه نشده است که در اندیشه تدبيري برای خلاصي از اين مرداب باشيم و تلاشي انجام دهيم فقط منافع شخصي خودمان برايمان مهم بوده است.

واقعا چرا؟ چرا بايد همیشه اينگونه عمل کنيم؟ آيا همیشه حقيقت همان است که ما تصورش را داريم؟ آيا همیشه ديگران مقصودند؟ خبيثه کوتاهي از جانب ديگران است؟ و همیشه ديگران بدترين مخلوقات هستند و ما خوبترين؟ تعال اين پاسخ ها و اين حکم صادر کردن ها همه از روی ناعدالتي و ترس است! ترس از آنکه مياد خود ما متهم شويم! مياد که خودمان مجرم شناخته شويم! مياد سهل انگاري و گناهان ما عيان شود که باعث تمام اين بدبختي ها خودمان هستيم ، همه ي ما همه!

برای يك بار هم که شده سر به گريبان خود فرو بريم و گناه خود را قاضي قرار دهيم و با شجاعت تمام با واقعيات روبرو شويم و جرأت اعتراف کردن را به خودمان بدهيم. ماسالها اشتباه کرديم و چوب جهالتپايمان را خورديم و دم فرو بستيم. آري حقيقت تلخ تر از آن چيزيست که مي پنداشتيم! ما مقصوديم! پدرانمان هم مقصودند! ما قربانيان اشتباهات خود و گذشتگانيم! ... و غرضي از قربانيان نسيان شده ما نيستيم! نه! نه! ما آنچه را که مي توانستيم ، تلخي نوزمگ آور بودنش را با چشم عقل و فهم و بصيرت درک کنيم به قيمت فدا کردن نسلي تجربه کرديم و جای اين زخم تا ابد بر بیکر ملت ما باقي خواهند ماند، پس بايد از تاريخ و تجربه خود که بسيار گرانتري از آنچه که شايد به دستمان رسیده درس بگيريم و راه آيندگان





سید سلیمان حسینی

هدف‌های تربیتی و روش‌های یاد‌نمونه

و خداپرست هدف اساسی تعلیم و تربیت اسلامی را تشکیل می‌دهد. بنابراین چنانچه هدفها ایده الهای دموکراتیک سازش داشته باشد نمی‌توان بعضی از هدفها را موافق و بعضی را مخالف با این ایده الهی انتخاب نمود بلکه راستایی واحد در هدف را در نظر داشته و الزاما مراعات نمود زیرا همسویی هدفها شرط اصلی موفقیت در فعالیت های تربیتی می باشد و همچنین در برگزیدن هدفها با توجه به محدودیت ها و امکانات ختما باید عملی بودن آنها را در نظر گرفت زیرا فقط تصویر به بودن

هدفها تا زمانی که جامعه عمل نیوشیده اندکاری از پیش نخواهند بود. زیرا انواع روشهای نیل به هدفهای تربیتی را نیز همراه با ارائه این اهداف باید بیان نمود و در این اهداف تمام جوانب مختلف رشدانسان از جمله جنبه معنوی-اجتماعی-عاطفی و عقلانی را در نظر داشت هدفهای تربیتی برای تمام افرادی که در فعالیت های تربیتی مشارکت دارند قابل فهم باشد زیرا هدفهای مبهم و غیر قابل ادراک نمی‌توانند فعالیت های افراد را راهبری نمایند و با توجه به این مطلب که احتیاجات جامعه و افراد و مبانی تربیتی رو به رشد می باشند. بدین لحاظ هدفهای تربیتی نیز لزوما باید متغیر و با احتیاجات جامعه و افراد سازش داشته باشد. با توجه به موارد فوق الذکر در مورد شرایط و خصوصیات هدفهای تربیتی برای نهادینه سازی آن در جامعه نیز روشهایی را باید مد نظر داشت روشهای مورد نظر بدین قرار است:

الف- تشویق ب- تنبیه ج- الگویی د- تبارز محیط و...

تشویق : یکی از روشهای بسیار موثر در تربیت و رسیدن به اهداف تربیتی تشویق می باشد زیرا تشویق بر خلاف سایر عوامل تربیتی عاملی وادار کننده است که به انسان نیرو و انرژی می دهد و این خودسبب ایجاد انگیزه می گردد. زیرا وجود انگیزه فرد را احیاء می کند و او را از یاس و بدبینی نجات داده و موجبات دلگرمی اش را به زندگی فراهم می نماید. زیرا انگیزش نوعی تلقین قدرت به حساب می آید و اگر شکست هایی را هم در سرازه انسان واقع شود با تلاش و کوشش حاکی از مقدار قوت حاصل

مهمترین شرطی که باید در درجه اول برای موفقیت در هر کار رعایت نماییم - بینش و آگاهی نسبت به آن عمل است. زیرا انسان دارای هدف خاص برای نیل به خواسته خویش علاوه بر سعی و تلاش پیگیری باید به تمام راههایی که او را به مطلوبش می رساند آشنایی درستی باشد. مثلا شخصی که هدف و خواسته اش صعود به ستیغ کوه باشد باید علاوه بر

داشتن سلامت جسمانی و آمادگی بدنی و سایر شرایط الزامی به فنون کوه نوردی نیز آشنا باشد تا در کار خود موفق گردد زیرا شناسایی و بینش در هر کار لازم است ولی در امر تربیت انسان ضرورتش آفتزون تراست بخاطر اینکه انسان موجودی پیچیده و دشوار است. و زمینه های روانی فرد فردش بر اساس وراثت و محیط تربیتی او مختلف است همچنین دلیل دو قرده را که از لحاظ روحیات دقیقا مانند هم باشند نمی توان یابید بنابراین چنانچه بخواهیم در راستای تربیت و تعلیم نیروی انسانی فعالیت نماییم ابتدا باید هدفهای

خاص تربیتی را در نظر داشته باشیم زیرا هدفهای تربیتی

از یک لحاظ جهت های مختلف رشد هستند. یعنی رشد همه جانبه شخصیت افراد در جهات تسریع می نمایند بنابراین این شرط اصلی در انتخاب هدفها رشدکنندگی و تکامل پذیر بودن آنها می باشد. به لحاظ اینکه ارائه هر مطلبی به عنوان هدف باید زمینه رشد و ترقی فرد را تامین کند. سابق هدفهای تربیتی بیشتر جنبه آموزشی داشت و غرض این بود که ذهن شاگردان را از معلومات پراکنده بپر نمایند در صورتی که مریبان جدید معتقدند که هدف تعلیم و تربیه باید ایجاد تغییر در اندیشه ها- عادات و تمایلات فرد باشد. در جامعه ای که ایده آل های دموکراتیک به عنوان ایده الهای اجتماعی پذیرفته شده اند هدفهای تربیتی نیز باید شاگردان را به سوی این ایده الهی سوق دهد. در جامعه اسلامی هدفهای تربیتی باید از تعلیم عالیه اسلام استخراج شود. بنابراین پرورش شخصیت هایی باتقوا متفکر- ایثارگر- مجاهد و مسئول



تعلیم عملی نافع تر از تعلیم زبانی است. و بدین جهت باید اثر سوء دوگانگی در رفتار و گفتار وجود نداشته باشد زیرا نتیجه آموزندگی آن معکوس خواهد بود به قول معروف (رطب خورده کی منع رطب تواند کرد)

مسئله دومی که باید در نظر داشت این است که: احتمالاً افرادی را که بعنوان الگو برای فرد هستند نباید اصطکاک الگوها را بوجود بیاورند منظور از اصطکاک الگوها برخوردها و تعارض هایی است که گاهی میان الگوهای مورد علاقه افراد وجود دارد.

بنابر این برای حفظ شخصیت انسانی و جلوگیری از هرگونه عدم تعادل روانی هماهنگی الگوها امری ضروری است. خانواده و همریان محترم موظفند الگوهایی را در اختیار افراد قرار بدهند

که هماهنگ با رهنمودهای اسلامی باشد و در این جهت باید احساس مسئولیت کنند چنان نتایج سوشی عاید فرد نگردد و از دیگر روشهای پیاده نمودن اهداف تربیتی روش ابراز محبت می باشد زیرا محبت نیاز اساسی و طبیعی انسان می باشد بدین خاطر به بسیاری دانشمندان متشابه بسیاری از عقده ها عدم ارضاء فرد از محبت است. در روش ابراز محبت برای جلوگیری از پندایش احساس حقارت باید از زیاده روی در اعمال محبت اجتناب نمود. و روشهای

دیگری نیز از جمله تکریم شخصیت موعظه نصیحت و... می باشد که در این مقاله مجالی برای بیان آنها نمی باشد

از انگیزه آن مشکلات را از سر راه خود خواهد برداشت. و برای اینکه تشویق هنگام با اصول تربیتی صحیح باشد و زبان و خطری را برای فرد و جامعه موجب نشود. باشد که اهم اعضاء فعلاً بیان می گردد.

اولاً: باید عمل و اخلاق صحیح فرد را تشویق نمود تا به کارایی موثر عمل خویش پی برد و بفهمد که کار سازنده ارزش دارد. **ثانیاً:** تشویق بگونه ای باشد که از تأیید درونی فرد برخوردار باشد طوری که او واقعا خود را مستحق بداند نه اینکه وسیله ای برای دلخوش نمودن او باشد **ثالثاً:** تشویق صورت رشوه و وعده

و وعید به خود نگیرد. تشویق را وسیله باید دانست و نباید بصورت هدف و غایت در آید و در امر تشویق از افراط و تفریط جلوگیری شود تا از ارزش تشویق کاسته نگردد.

تنبیه: یکی دیگر از روشهای تربیتی تنبیه است البته استفاده از این روش زمانی امکان پذیر است که سایر عوامل تربیتی از تاثیر و کارایی در مورد فرد نارسا و عاجز باشند. علی هذا تنبیه یکی از عوامل بازدارنده است و در شرایط بخصوصی نیرومندترین و ضرورتیترین وسیله ضمانت خیر و سعادت برای جامعه

انسان است. جامعه ژرف بین و اندیشمندان آگاه به خوبی می دانند که ادامه حیات و زندگی سعادت مندانه در سایه تأیید عملی اصل تنبیه و مجازات و قصاص امکان پذیر است. برای انطباق صحیح تنبیه با اصول تربیتی صحیح باید شرایطی را در نظر داشت که عبارتند از:

۱. تنبیه باید به عنوان آخرین روش تربیتی مورد استفاده قرار گیرد.

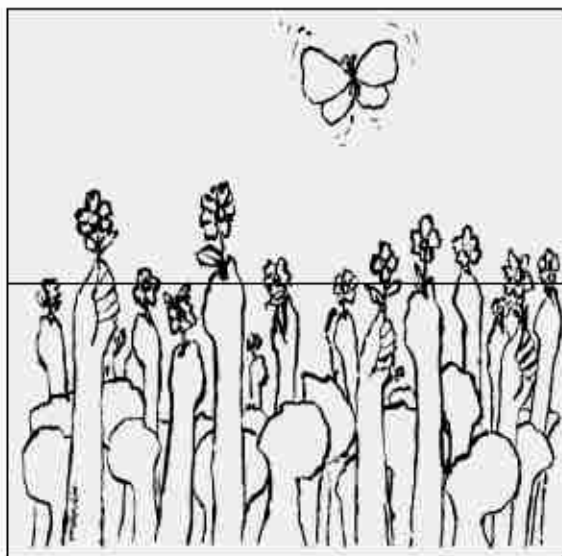
۲. تنبیهی مناسب با نوع مختلف در نظر گرفته شود.

۳. تنبیه برای نكوهش عمل صورت پذیرت تا فرد بتواند علت تنبیه را درک نماید و در موارد دیگر از آن دوری کند.

۴. در تنبیه به هیچ وجه انتقام و یا سایر عوامل احساسی شرکت نداشته باشند. بگونه ای که در فرد این احساس پدید نیاید که آنها از تنبیه وی خوشحالند.

الگوی: روش دیگر در پیاده نمودن اهداف تربیتی روش الگویی می باشد زیرا غریزه تقلید یکی از غرایز نیرومند و ریشه دار در انسان است و بدین خاطر است که گرایش انسان به تقلید از دیگران و تشبیه به آنها یکی از عوامل اساسی خود باختگی و جرات انسان در ارتکاب قساص و یا انجام اعمال نیک می باشد. مواردی را که در پیاده نمودن این روش باید مورد توجه قرار داد این است که الگو دارای تهذیب عملی باشد یعنی شخصیتی را که به عنوان الگو قرار می دهیم باید گفتارش عین رفتارش باشد زیرا آنچه در برابر دیدگان انسان قرار دارد اثر بخش تر و آموزنده تر از حقایقی است که بگوش می رسد و یا خوانده می شود.

انگیزش نوعی تلقین قدرت به حساب می آید و اگر شکست هایی را هم در سر راه انسان واقع نشود با تلاش و کوشش حاکی از مقدار قوت حاصل از انگیزه آن مشکلات را از سر راه خود خواهد برداشت



تعلیم و تربیه در افغانستان

با توجه به اینکه زیربنای ساختاری بنیادی هر جامعه نظام تربیتی و آموزشی آن جامعه می باشد و برای بازسازی هر سرزمینی ابتدا باید از آموزش شروع نمود بدین لحاظ گفتمانی داریم با مسئولین محترم وزارت معارف افغانستان تا انشاء الله راهی باشد برای آشنایی هر چه بیشتر نظام آموزشی کشور عزیزمان و همچنین شناخت معضلات و مشکلات موجود. قدرتمندی دولت در راستای حل این مشکلات و برنامه های اجرایی وزارت معارف پیرامون این مسائل آقای **محمد رحمتی** ریاست امور تربیتی وزارت معارف به سئوالات ما جواب می دهد

توانند همه ناهنجاریهای فرهنگی موجود را کنترل نمایند که خود بعدی دیگر از مشکلات است که معارف هم در بیرون مکاتب و هم در داخل مکاتب با آن روبرو است در عین حال خصوصا در زمینه تعیین اهداف و استراژی ها و برای فعالیت در قسمتهای تعلیمی و تربیتی و تجهیز مکاتب و ساخت مکاتب و تربیت معلم و ایجاد بخشهای جدید در زمینه مسائل تربیتی و نهادهای تربیتی در معارف افغانستان که مجموع اینها امید وار کننده است برای عموم مردم افغانستان در حوزه آموزش و پرورش.

← با توجه به اینکه کتابهای مورد استفاده متعلمین همان کتابهای نظام تعلیمی سابق می باشد و متعلم با خریدن کتابهای متعلمی که دست فروشان در سر چوک می فروشند استفاده می نمایند برای بهینه سازی این مسئله وزارت معارف چه برنامه هایی را در دست اجرا دارد و چه برنامه هایی

را اعمال نموده است؟

○ خوشبختانه یکی از بخشهایی که می تواند بسیار اسیدوار کننده باشد تصمیم به ایجاد تحول در بخش نظام آموزشی است.

از اواخر سال گذشته این تفکر در وزارت معارف بوجود آمد که ما باید سر یک پلان ۱۲ ساله کار کنیم که در طول این دوازده سال یعنی از زمانیکه یک شاگرد وارد مکتب می شود تا زمانیکه از مکتب فارغ التحصیل می شود باید به یک

سبک جدید تعلیم بیاید و تربیه شود و محضول این ۱۲ سال یک انسان مفید و کار آمد برای جامعه افغانستان باشد بر این اساس مطالعه سر ایجاد معارف نوین در افغانستان شروع گردیده و یکی از بخشهای که در این معارف نوین در نظر هست تحول در

← با عرض سلام لطف نموده و خودتان را برای خوانندگان عزیز معرفی بفرمائید.

○ محمد رحمتی هستم ریاست امور تربیتی وزارت معارف افغانستان

← مشکلات معارف بعد از بحران جنگ چیست و معارف در این راستا چه برنامه هایی را فرا رو دارد؟

○ وضعیت تعلیم و تربیه در افغانستان بعد از سالها جنگ و بحران در کشور که صدمات زیادی را وارد آورد امروز الحمد لله در وضعیت نسبتا بهتری قرار گرفته است بخصوص اگر با دو سال قبل بخواهیم مقایسه نمائیم زیرا مکاتب اکثرا تعطیل بود و قشر خواهان نمی توانستند به مکتب راه یابند و مشغول تعلیم و تربیه شوند. امروزه بیش از پنج میلیون شاگرد اعم از دختر و پسر در معارف افغانستان مشغول تعلیم و تربیه هستند البته نا گفته پندار

است که مشکلات فراوانی وجود دارد اعم از باب اینکه وجود چند سال رکود در معارف افغانستان یکباره میلیونها شاگرد به مدارس رو آورده اند در این وضعیت امکانات به اندازه کافی وجود ندارد. مکتب کم است چنانکه در سال جاری وزارت معارف در نظر دارد تا بیش از سی هزار نفر معلم را استخدام بخاطر کمبود شدیدی که در این قسمت وجود دارد و در باقی زمینه ها از جمله کتاب و وسایل تحریر و همچنین کیفیت تحصیلی معلمین موجود مناسب نیست و از نظر تحصیلی در حد شایستگی که باید و شاید نمی توانند شاگردان را آموزش دهند.

مشکلات فرهنگی موجود قرا راه جامعه که مردم یا آن مواجه هستند ناشی از پیامدهای بحران های ناشی از چندین سال جنگ است و هم به خاطر این است که متولیان امور افغانستان نمی

ریاست تربیه معلم در طول سال جاری برای تعداد ۱۲۰۰۰ نفر از معلمین سراسر ولایات افغانستان برنامه دعوت برای آموزش را در نظر دارد تا اینکه سویه تحصیلی و معلومات ایشان افزایش پیدا نماید





تعداد ۱۳۰۰۰ نفر از معلمان سراسر ولایات افغانستان برنامه دعوت برای آموزش را در نظر دارد تا اینکه سوبه تحصیلی و معلومات ایشان افزایش پیدا نماید و به هر حال این مشکل یک مشکل اساسی می باشد که نیاز به گذر زمان دارد و به این زودبها قابل حل نمی باشد.

امکان دارد این مشکلات در شهرهایی مانند کابل کمتر باشد و لیکن در باقی ولایات دور دست این مشکلات به مراتب بیشتر و جدی تر از این مسائل است بطوریکه کسی که صنف شش را خوانده می آید و صنف اول یا دوم را تدریس می نماید و یا شاید مدیریت یک مکتب را بر عهده دارد، به هر حال مردم و معارف افغانستان سعی دارد یا حداقل امکانات حداکثر بهره وری را در جهت زدودن این مشکلات بنماید تا اینکه به حول و قوه الهی گامهایی هر چند کوچک در اره سیر به سوی آینده ای روشن برداریم.

← در آخر ضمن تشکر از شما که وقت خود را در اختیارمان قرار دادید خواهشمندیم چنانچه سخنی با خوانندگان ما در دیار غربت دارید بفرمائید.

○ سخی دوستانه دارم و آن اینکه جامعه کنونی افغانستان و معارف آن نیاز مبرم به جوانان و هموطنان تحصیل کرده مان در دیار خارج دارند. به لحاظ اینکه آنان در محیطهای تعلیمی بهتر رشد نموده اند و می توانند واقعا مثبت تر و نقشی بر جسته تر در نظام تعلیمی وطن خودشان داشته باشند بدین لحاظ خواهشمندم چنانچه مقدور است به وطنشان برگردند و دوشادوش دیگر برادران به آبادسازی وطنشان بپردازند.

سید سلیمان حسینی
وزارت معارف - کابل

بخش کتابهای درسی است، در این قسمت از سال گذشته کار تالیف سه کتاب جدید شروع شده که تا صنف چهارم نوشته شده و سر بقیه صنف کار ادامه دارد در بخش شعبات و بخشهای گروههای تخصصی که به ریاست تالیف کتب های درسی اینجا وجود دارد امید می رود که این زمینه ساز یک تحول در تست نظام شاگرد محوری است که باید آموزش فعال در مکاتب تطبیق شود و در این زمینه سمینارهای متعددی برگزار گردید و بحث هایی مطرح گردیده و در تمام مکاتب یکی از مباحث روز مکاتب افغانستان می باشد.

← در راستای پیاده سازی اهداف تربیتی معارف تنها دولت است که معارف را حمایت می کند و یا کشورهای دیگر نیز معارف را مورد حمایت قرار می دهند؟

○ طبیعا مثل سایر بخش های کاری در افغانستان و حوزه های مختلفی که وجود دارد معارف افغانستان نیز تنهایی قادر به پیشبرد این کار نیست ایجاد تحول در نظام آموزشی و پیشبرد کارها مطابق برنامه ها...، بنابر این نیاز به حمایت های خارجی و بین المللی وجود دارد و خوشبختانه موسسات بین المللی همانند یونیسف و بانک جهانی و برخی از دانشگاههای خارجی نیز همکاری دارند در زمینه های مشاوره با وزارت معارف در بخشهای گوناگون اما طبیعا مسئولیت اصلی و قسمت سنگین کار بر عهده خود وزارت معارف می باشد.

← با وجود اینکه چندین سال جنگ در افغانستان بوده و بحران ناشی از جنگها سقوط کیفیت آموزش و رکود تعلیم و تربیه را به همراه داشته به صورتی که معارف مجبور به استخدام افراد کثیری من حیث معلم در معارف گردیده که این افراد سطح سوادی فراتر از دوره متوسطه (راهنمایی) ندارند، آیا برای بهتر شدن وضعیت آموزشی با توجه به موارد فوق معارف راهکارهایی را اندیشیده است؟

○ در این قسمت فعالیت متعددی وجود دارد بصورتیکه ریاست تربیت معلم در چوکات وزارت معارف برنامه های متعددی را مدنظر دارد من جمله تاسیس دارالمعلمین ها در تمام ولایات افغانستان که البته حدود ۱۲ الی ۱۳ تا دارالمعلمین وجود دارد و معارف در سدد تکمیل مابقی می باشد و در کنار این موضوع مسئله آموزش ضمن خدمت را نیز مدنظر دارد و علاوه بر اینها برگزاری سمینارها و کارگاههای آموزشی برای معلمان که قرار است برگزار شود ریاست تربیه معلم در طول سال جاری برای





محمد تقی موسوی



با فرزندان

مولانا جلال الدین محمد بن سلطان العلماء بهاء الدین محمد بن حسین ابن بکری بلخی که به ملای روم هم یاد می شود در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هـ. ق در شهر باستانی و هنر پرور بلخ چشم بر جهان گشود. پدر وی سلطان العلماء بهاء الدین محمد معروف به بهاء ولد از بزرگان مشایخ صوفیه بوده و بنا بر مشکلائی که با محمد خوارزمشاه و فلاسفه در بلخ داشته به سمت قونیه مهاجرت می کند و در همانجا به سال ۶۲۸ هـ. ق فوت می نماید.

به بهانه هشتصد و یکمین سالگرد تولد این عارف بزرگ جهان اسلام نوشتار زیر را تقدیم می داریم.

دادند نخستین آنها حکما یا فلاسفه اسلامی بودند که اینان در واقع فلسفه یونان را که مستقیماً با فلسفه هند و ایران باستان در آمیخته بود به همراه فلسفه مصر فراگرفته و برای فلسفه اسلامی به ارمغان آوردند و بسیاری از آراء نوافلاطونیان را نیز پذیرفتند.

چند نمونه از موضوعاتی که فلاسفه به آن می پرداختند می توان به اینکه وجود ذات باری چگونه است؟ آیا جهان از عدم بوجود آمده است؟ هدف از آفرینش چیست؟ اشاره کرد و بسیاری سوالات مهم دیگر که اگر کسی این سوالات را با مسلمانان صدر اسلام مطرح میکرد یا دیوانه اش می خواندند یا کافر و مرتد! اینجا بود که عقل فرماتروایی را آغاز کرد، علی رغم نظراتی که اهل شرع درباره فلاسفه و پیروان آنان ابراز می کردند و آنان را به دیده دیگری می نگریستند.

دومین دسته ای که از حیث اعتقادات به یکی از مذاهب وابسته بودند و به عبارت صحیح تر اندیشه ای ویرای اعتقادات به یکی از مذاهب داشتند صوفیان بودند. برای اولین بار ابو هاشم کوفی که در کوفه به دنیا آمده بود نخستین خانقاه خود را در برابر مسجد در شام برپا کرد. لقب صوفی که نخستین بار در تاریخ درباره او به کار رفت بعدها نام عمومی زهاد شد. وطریقت آنان نیز تصوف نام گرفت درباره کلمه صوفی و تصوف سخنان مختلفی گفته اند. برخی از کلمه صفه گرفته اند چون اینان را صحابه فقیری را دنبال کرده اند که در صفا مسجد پیامبر می نشستند. گروهی از صوفی دانسته اند بدان جهت که عیای پشمینه بردوش می گذاشتند بعضی آن را مأخوذ از صفا پنداشته اند به معنای علری بودن (صاف بودن از آلودگی) صوفیان خود نیز در این باب سخنی واحد و قانع کننده نگفته اند تنها به این نکته اشاره کرده اند که این سخنان درباره گروه و مسلک آنان به کار رفته و گروهی این کلمه را معرب کلمه یونانی سوفوس sofos می دانند آری تصوف که ابتدا با اعراض از دنیا به صورت زهدی و متعصبانه و

قرن هفتم هجری دوره اختلاط مذاهب حتی ادیان در سرزمینهای اسلامی است. پیش از بسط و شرح حیات فکری این دوران به سرچشمه های این افکار نگاهی گذرا خواهیم داشت. نخستین سالهای اسلام دوره ایمان مطلق است در این دوران درباره ذات، صفات خدا، در معصوم بودن یا نبوت پیامبر، روحانی یا جسمانی بودن حیات ابدی مباحث جدی مطرح نشد و به صحبت در این ابواب نیازی احساس نمی شد.

اولین مناقشات و اختلافات فکری در اسلام با وفات حضرت پیامبر (ص) بر سر جانشینی آن حضرت بوجود آمد که مسلمانان را به دو گروه بزرگ شیعه و سنی تقسیم کرد. مسئله دیگری که میان مسلمانان مطرح شد مسئله قضا و قدر بود. یعنی انسان در قبال اعمال خویش مستول می باشد یا خیر؟ اراده و اختیار از چه نظر و تا چه حد اثر بخش است؟ و سوالاتی نظیر اینها.

گروهی برای انسان هیچ گونه اختیاری قائل نبودند و تمام اعمال انسان را از اراده خداوند می دانستند که به اینها «مجبره» یا «اشاعره» می گفتند و گروهی انسان را دارای اختیار و اراده مطلق می دانستند که به اینها «معتزله» می گفتند و فرقه ای بنام «مرجئه» بوجود آمده بود که عمل را موخر می دانستند و می گفتند همان طور که ثواب برای کافر سودی ندارد گناه نیز برای مومن زبانی ندارد و با ابراز چنین عقیده ای از افرادی که به قضا و قدر ایمان داشتند جانبداری می کردند. بدین سان پنج فرقه اساسی در اسلام پدیدار شد که عبارت بودند از شیعه، سنی، معتزله، جبریّه و مرجئه.

جبر زمان اندیشمندان هر فرقه ای را بر آن داشت که مسائل کاملاً جدیدی را از دیدگاههای مختلف مورد مطالعه قرار دهند و از این راه هر مذهب به شاخه های فکری گوناگونی تقسیم شدند. گذشته از فرقه های ذکر شده، دو گروه دیگر پای به عرصه ظهور نهادند که از نظر اعتقادی منتصب به یکی از پنج فرقه بودند لیکن طرز تفکر و اعمالی متفاوت از دیگران از خود بروز می



در کل بین صوفیان می توان سه شاخه مشخص کرد.

صوفیان - ملامتیه - فتیان

۱) **صوفیان:** این شاخه مخفلهای عمومی را که با توجه به موقعیت طریقت به نامهای ریاض، خانقاه، آستانه، تکیه، زاویه، درگاه و حتی صومعه را که به کلیسای مسیحیان اطلاق می شد به خود اختصاص دادند. صوفیان به مرور زمان از مردم بریندند و به طبقه مرفه می پیوستند. بدین سان صوفیان که نفوذ روز افزون و قدرتمندی یافته بودند و با پوشیدن لباسهای خاص، خود را از مردم جدا می ساختند آنان را تحقیر می کردند و به مردم عوام نام می دادند و خود را خواص می خواندند.

۲) **ملامتیه:** واکنشی علیه اعمال صوفیان بود، این دسته

نفس خود را قویتر از هرکس می دیدند و خود را

بخاطر رفتارهاشان پیوسته ملامت

می کردند و کارهای خیر را پنهانی

و کارهای شر را علنی انجام می

دادند. تا مردم آنها را ملامت کنند

به همین خاطر آنان را

ملامتی می نامیدند، و به

تدریج بین این قرقه نیز

انتساباتی ایجاد شد که می

توان به قلندریه (۵ هجری)

حیدریه (۶ هجری) گیرویه، ابدالیه،

بابائیه، جامیه اشاره کرد.

۳) **فتیان:** فتویان سازمانی بود که از

دوره ساسانیان در ایران وجود داشت که آنها را از یک

سو نظامیان و از سوی دیگر ارباب صنایع و حرفه تشکیل

می داد. اینان اسرارارکان فرقه خویش را چون اسرار صنایع

از کسانی جز خود که اصطلاحاً « غیر » می نامیدند پنهان

نگه می داشتند و اهل فتوت که به نامهای عیار، شاطر،

رند، فتی، خوانده می شدند و مشایخ خود را **آخی** می

نامیدند این قرقه دنیا را فرو نگذاشته بودند و کار صحیح

ویاوری کردن را نه فقط در برابر اخوان بلکه در قبال همه

انسانها اساس کار قرار داده بودند. حال آنکه تاحدودی با

تصوف و بعضی عقائد آنها آشنا شدیم لازم است که با نظر

حضرت مولانا درمورد تصوف به صورتی بسیار مختصر آشنا

به نظر مولانا مدرسه هایی که انسانها را برای تزریق فلسفه بی خاص درون چار چوب محدودی گرد می آورند باید ویران شوند و تعلیمات مدرسی که میان انسانها تخم تفرقه افشانده یا هر آن دانشی که در برابر آزادی و آزاد اندیشی دیواری بکشد باید به کناری انداخته شود.

شویم:

تصوف مولانا هرگز مبتنی بر روش علمی و یا ایده آلیسم نیست

بلکه به نظر وی تصوف عبارت است از کمال یابی در عالم

حقیقت و عرفان و عشق و جذب است که تحقق آن درحیات

فردی و اجتماعی می تواند بینش گسترده و پیشرفته می باشد و

خشن در برابر آشوبهای داخلی و توسعه اشراف منشانه آغاز عهد

امویان قد برافراشته بود پس از مدت اندکی با افکار فلسفی در

آمیخت و مخصوصاً تحت تاثیر آرای اسماعیلیه تمایلات باطنی

پیدا کرد و به فرقه های مختلف تقسیم شد و به سبب ایجاد

محیطی آزاد اندیشانه پناهگاه آزاد اندیشان گردید. خانقاههای

مختلف تاسیس یافت و به مرور زمان نوعی زندگی اشرافی میان

صوفیان رایج شد که گروهی از صوفیان علیه آن برخاستند و فرقه

های جدیدی پایه گذاری کردند. مشرکان شیعه و سنی شدیدتر

از آنکه با کلام و فلسفه مخالفت کنند با صوفیان به مخالفت

برخواستند. صوفیان عشق را پایه سلوک نامیدند و عشق مجازی

با محبت مفرط فردی به شخص دیگری گاه باهوای نفس و

شهوت نیز در می آمیزد به مثابه پلی برای عبور و وصول به عشق

حقیقی یعنی عشق به خدای قادر لایزال قلمداد کرد و رقص

و سماع را نسبت به اشخاص و نیات قلبی

آنان حلال و واسطه جذب الهی داشت

مردی را در «زی» جوانمردی پذیرفت

و گفت بسیاری از مردان به این مقام راه

نیافته اند و حال آنکه زنانی این

مراحل جوانمردی را طی کرده

اند. حجاب را به اعتبار اخوت

برای زنان آسان گرفت حتی از

طرف باطنیان حجاب کاملاً از بین رفت.

به مجالس اخوان شراب و سماع وزن راه

یافت. از این رو گروه زیادی از مردم را به

سوی خود جلب کرد. و دیگر آنکه تصوف

به وجود مهدی هم اعتقاد پیدا کرده بودند که آنرا پیامبر

وعده داده بود که فردی از خاندان وی ظهور خواهد کرد و زشتیها

از بین خواهد رفت و زمین برکات خویش را نثار خواهند کرد هیچ

فقیری برای دریافت زکات پیدا نخواهد شد میش و گریگ باهم به

آبشخور خواهند رفت. احادیث مربوط به این موضوع در امهات

کتاب حدیث اهل سنت (مثل صحیح مسلم، مشکوه المصابیح،

مسند، غایه المرام) نیز وجود داشت. این عقیده نخست از طرف

شیعیان عنوان شد و شیعیان اثنی عشری می گفتند و می گویند

مهدی موعود امام دوازدهم است که در پرده غیبت است و روزی

به فرمان الهی ظهور خواهد کرد اهل سنت عقیده داشتند که

مهدی هنوز به دنیا نیامده است و مدعی بودند که در آینده متولد

خواهد شد و بعد از کمال ظهور خواهد کرد. صوفیان شیعی مهدی

را به صورتی متناسب و با افکار فرقه خود می پذیرفتند و صوفیان

سنی نیز تحت تاثیر آرای شیعه عقیده داشتند که زمین هیچگاه از

وجود رادمردی یگانه که مهدی و مظهر کامل الهی است نباید

خللی باشد.



یگانگی انسانها را آرمان خویش قرار دهد. و یا نظامی اخلاقی است که نوعی بلند نظری و سهل انگاری بیکران که زشتیها و زشتکارها را معنوم سازد و زیباییها را برجای آنها بنشانند در آثار وی از آن قبیل اصطلاحاتی که در آثار صوفیان به شکل بیمار گونه بکار می رفت و در تالیفات ابن عربی به خادترین صورت درآمده و بین صوفیان بعد از وی نیز به دردی مزمن تبدیل شده بود سراغ نمی توان گرفت او اصطلاحات صوفیانه را بسیار کم به کار می برد. اساسا کاربرد اصطلاحات آنچنانی برای تبیین خواسته ها یا روح و اندیشه مردمی او سازگار نبود وقتی روی سخن اوبا مردم بود هرگز از آن نوع اصطلاحات باری نمی جست او هم در دیوان کبیر و هم در مثنوی برای باز نمودن عقیده وحدت وجود و تشریح دیدگاههای فلسفی و اخلاقی خویش زبان مردم را به کار می برد و کاملا متناسب با روانشناسی به حکایت خود می پرداخت و به بهره گرفتن از امثال و حکم آرای خویش را بیان می کرد، او از مشهورات و مشاهدات خود سخن به میان می آورد، بحث می کرد و سخن می گفت گاه در صدر مقال بیتی می آورد که:

پرت می پرت نیست همی پرت

قل می مثل پرت خیم پرت

آنگاه با بیان حکایتی بی پروا مردم را مخاطب قرار می داد مولانا بیش از هر چیز یک معلم اخلاق و یک مربی بود. در کار خود ابتدا تفنن نمیکرد در اعتراضات او به فلسفه و فیلسوفان اگر چه تأثیر پدر و سید برهان الدین ترمزی و مخصوصا شمس تبریزی غیر قابل انکار است. اما مسلم است این خصیصه او در اتخاذ چنین روش عامل عمده بوده است. مولانا فلسفه را به نقص، متهم می کند زیرا که آنان عقل را با اهمیت تلقی می کنند و احساس را بی اعتبار می دانند. به عقیده وی قیاس و استدلال انسان را به راه خطا می افکند. آری مولانا فلسفه را به دلیل اتکای آن به عقل و استناد آن به وهم که سعادت انسانها را در عالم مادی چنانکه در دنیای اندیشه به دفع الوقت و می گذارد نکوهش می کند باین حال او کسی نیست که فلسفه اسلامی را پذیرا نباشد باید گفت در عصر مولانا دنیا مرکز عالم پنداشته می شد، اعتقاد به نه فلک چهار عنصر و موالید ۳ گانه عقیده عام بود، علاوه بر اینها مولانا در آثارش از اصول و اصطلاحات فلسفی عصر خویش مانند عقل کل، عقول افلاک و تجسد اعمال دنیا در آخرت بحث کرده است باین حال از وسیله ارتزاقی قرار دادن خیالات و توهمات نیز متنفر است. از این رو با صوفیه هم سرتوافق و سازش ندارد و به صوفیانی که با تظاهر داشتن خرقة و دستاور جامه ی صوفیانه خود را صوفی واهی نماید به شدت می تازد از هزاران کس یکی راصوفی می داند و بقیه را طفیلی آن یک تن می شناسد و کسانی را که کمال نایافته به ارشاد برمی خیزند، تکوهش می کند و به

افرادی که با حرف مدعی مقام شیخوخت هستند می تازد حتی ابائی ندارد که خانقاهها را محفل امردان و اسرذبازی معرفی می کند.

سلوک و اساس آن از نظر مولانا خود را باختن نیست بلکه به خود آمدن و خود را یافتن است. در تعالیم وی در راه کشف حقیقت از کارهای مخالف طبیعت انسانی - چون تجرد- ابتدا چیزی نمی توان یافت اگر شهوتی نباشد پرهیز معنی ندارد.

به دیده مولانا ارشاد و رهبری از آن انسان کامل است. به هر دوری ولی قائم است. امام قائم ولی است. خواه از نسل عمر، خواه از نسل علی، ای راهجو، هادی و مهدی هم اوست که هم پنهان است و هم پیش ماست. « همین قدر می گویم که آفتاب در حجاب بشریت پنهان شده است سخن را دریاب که بیش از این تصریح جایز نیست.»

مولانا در مورد انسانها می فرماید: « مردم را بالا بردن مشکل است، اما بسوی زیر زود می افتد»

سرتاسر حیات وی نمونه انسانیت بود. در اشعارش حالات مختلف روان انسانی را به صمیمی ترین وجه نشان داد. عقیده او از خودپرستی سرچشمه نمی گرفت بلکه از یک عشق عمیق و پر مغز ناشی می شد. محبت او بر تمام انسانها و همه جانداران و بر تمام دنیا گسترده بود.

تحول درونی را با این اصل آغاز کرده بود و از این رو فراتر از باورها قرار گرفته بود. او حتی در میان بیمارانی که مردم از آنان می رسیدند، همان حقیقت انسانی را می یافت یک بار به آب گرم رفته بود، قبل از وی جذامیان در آب رفته بودند و یاران وی از آب دوری می کردند.

مولانا بانگ بر اصحاب زد و جامه بیرون کشید و وارد آب شد و نزدیک جذامیان رفته و از آن آب بر خود می ریخت.

از دیدگاه مولانا آنکه واقعا انسان باشد و به مقام والای انسانی دست یابد برای باورها جا دارد و چنین کسی از کفر و ایمان رسته است. به نظر مولانا مدرسه هالی که انسانها را برای تزریق فلسفه بی خاص درون چار چوب محدودی گرد می آوردند باید ویران شوند و تعلیمات مدرسی که میان انسانها تخم تفرقه افشاندند یا هر آن دانشی که در برابر آزادی و آزاد اندیشی دپواری بکشد باید به کناری انداخته شود.

مدرس مدرسه ویران شود

احوال قندی بر ملان شود

همان کز کز زبان شود

یکینه حق سخن سخن شود



علی ابن ابیطالب

ملکی که پیرشان شد

بترسید! بترسید از فرمانبری سروران و
بزرگانان که به تیره خود بالیند و نصب
خود را فراتر نمایانند و امر ناپسند را بر
پروردگار خویش حمل نمودند و نعمت خدا
را در مورد خود اقرار نکردند تا با قضای او
دراقتاده و علیه نعمتهایش برخیزند ایشان
بنیانهای عصیبتند و پریا دارندگان ارکان
فتنه و سمشیرهای فخر فروشی جاهلیت

اسبهای شیطان و نخوتها و تباه سازی ها و دمه‌های و سوسه انگیز
اوست بی گمان. تاج فروتنی بر سرهاتان نهید و برتری جویی را
زیر پا افکنید و حالت تکبر از گردنهایتان بگیرد، و تواضع را بین خود
و دشمنان ابلیس و ابلیسان وسیله حفاظتی قرار دهید. زیرا که
برای شیطان در تمام امتهای سپاهیان و یاران و پیاده گان و سوار
نیست، چون «قابیل» نباشید که نسبت به برادر خود تکبر کرد و
خداوند به او برتری خاصی نداده بود، او به برادر خود حسد
ورزید و به خود بزرگ بینی دچار گردید. حمیت، آتش خشم در
دل وی افروخت و شیطان، یاد کبر در دماغ وی پرورید، و خدا
به عنوان کیفر او را دچار پشیمانی کرد و گناهان قاتلان را تا روز
رستاخیز در عهده او آورد.

آگاه باشید! که در سرکشی از اندازه فراتر رفتید و آشکارا به مقابله
با خدا ایستادید و برابر مؤمنان قد علم کردید و اینگونه در زمین
فساد انگیزید. خدا را! خدا را! بر خیز باشید از کبر نمودن از
روی حمیت و فخر فروشی های جاهلیت، حمیت زادگاه کینه
است و جای دمیذنیهای شیطانی است و شیطان امتهای گذشته و
مردم روزگاران پیشین را بدان فریب داده است،

تا که در سپاهیهای نادانی او مخفی
گشته اند، و در داسگاه گمراهیهای
او فرو شدند، حالی که در راندن او
دام و او را راحت فرمان بردند. و او
امری را بی گرفت که همه در آن
خصوص یکدل می نمودند تمام قرنهای
داستان به همین منوال بود و همین طور
بر دلها سنگینی فزود. هشیار باشید و
بترسید! بترسید از فرمانبری سروران و
بزرگانان که به تیره خود بالیند و نصب
خود را فراتر نمایانند و امر ناپسند را بر پروردگار خویش حمل نمودند



پس بندگان خدا! حذر کنید از اینکه ابلیس شمارادچار مرض خود
کند و نوا سردهد و شما را برانگیزاند و سواره و پیاده خود را بر سرتان
فرود آورد، به جانم قسم! که تیر تهدید در چله ی گمان
نهاده، و گمان را با تمام نیرو کشیده و از مکانی نزدیک، شمارامورد
هدف قرارداده، که گفت: «پروردگار من! حال که مرا گمراه
نمودی، زشتی و گناه رانزداتان می آرایم، تا همه را گمراه
سازم» نسبت به امر ناشناخته ی دوری، اظهار کرد و به خطا گمانی
زد. دفرزند نامان نخوت و برادران عصیبت و سواران میدان تکبر
و جهالت، سخن وی شنیدند و آن را تصدیق نمودند، تا که سرکش
شما متقاد او گردید و طمع وی در شماروید و هر چه خفی بود، گشت
پدید. حیطة ی نفوذ و اقتدار او بر شما شدت یافت و سپاهیان آرام
بر شما تاخت. پس متکوب و ذلیلان نمودند و به مسلختان کشانند
و به زخم های سخت شمارا ایمال کردند. انگار نیزه هایی بر
چشمانتان فرو کرده، گلو هاتان بریده، بینی هاتان له نموده، تا که
قصد کشتن شمارا کردند و بر آن شدند تا با شمارا انداختن بر شما به
آتش جهنم راهی تان

کنند. پس ابلیس بر آسیب وارد کردن به دین شما و آتش افروختن
دنیا تان زهدارتر می نماید، از کسانی که به ستیزه با تان برآمدید
و برای مقابله ایشان صف آرای کرده اید. پس بر او خشم گیرید
و علیه او مجدانه به خدا سوگند! او بر اصل «مایه وجودی» شما
فخر کرد و منزلت شما را پایین آورد و بر تیره و تبارتان
برآمد و سوارانش را بر شما روانه
کرد و مسیرهاتان مسدود ساخت
، آن طور که هر جا به شکار
شما بر می خیزد و انگشتان
می اندازد به نیرنگ از او
خلاصی نمی یابید و به
هیچ چاره ای دفع او
کردن نمی توانید در
معرض ذلت قرار گرفته
اید و به تنگنا دچارید و به
آستانه مرگ درآمده اید و گرفتار بلا شده اید

پس آتش غضب را که دلهای شما پنهان است خاموش کنید و
کینه های جاهلیت را دور بریزید که این حمیت در فرد مسلمان از



و نعمت خدا را در مورد خود اقرار نکردند تا با قضای او در افتاده و علیه نعمتهایش برخیزند ایشان بنیانهای عصیبتند و برپا دارندگان ارکان فتنه و شمشیرهای فخر فروشی جاهلیت . پس تقوی خدا را داشته باشید و با نعمتهایی که به شما عطا نموده، به ستیز برنمایید و فضل او را که نزد شماست، حسادت مورزید و از مدعیان «بددات» تبعیت نکنید، همانا که آب ناصاف گوهرشان را ساعتان نوشیدند . و در به خطر انداختن سلامت روح خود با مرضیهای ایشان گوشیدند . و در حق خود باطل ایشان را داخل کردید . و ایشان بنیان فسقند و حق گریزی و همراهان عصیان و بی قیدی . ابلیس ایشان را بارکش گمراه ساخت و بدیشان سپاهی برآورد و برای سلطه بر مردم به کار انداخت و زبان آنان را سخنگوی خود داشت . عقلهاتان را دزدانه محک می زند تا سوء استفاده برد، و در دیده هاتان وارد می شود و به گوشهاتان می دهد . او شما را نشانگان تبر خود قرار داد و زیر پایتان راند و در جنگ خود نهاد. پس از سختی ها و عذاب و شدت عملی که خداوند نسبت به استهای مستکبر قبل از شما به خرج داد درس بگیرید و عبرت یابید از خاکی که چهره های ایشان بر آن افتاده و پهلوهاشان روی آن قرار گرفته و به خدا پناه برید از پرورده شدن نخوت ؛ همان طور که در مصایب روزگار به آن روی می آورید، اگر خداوند قرار بود امکان کبر و نخوت به بندگان خود دهد، به طور حتم این امتیاز را در اختیار پیامبران و اولیاء گزیده خود می نهاد . اما خداوند نخوت و بزرگی بینی را از ایشان نیستدید و خشنودی خود را در تواضع آنان قرارداد . پس پیامبران، گونه بر زمین نهادند و رخسار بر خاک مالیدند و در مقابل مؤمنان تواضع نمودند، و همه ایشان افرادی مستضعف بودند! خدا آنان را با گرسنگی به آزمودنشان پرداخت و دچار سختی شان داشت و با ترسها به پس دادن امتحانیشان وا داشت و با در انداختنشان به مشکلات پاکشان ساخت .

خطبه ۱۹۲ قاصعه

و ایشان بنیان فسقند و حق گریزی و همراهان عصیان و بی قیدی . ابلیس ایشان را بارکش گمراه ساخت و بدیشان سپاهی برآورد و برای سلطه بر مردم به کار انداخت و زبان آنان را سخنگوی خود داشت . عقلهاتان را دزدانه محک می زند تا سوء استفاده برد، و در دیده هاتان وارد می شود و به گوشهاتان می دهد

تجزیه

☑ اگر دوستی وطن نبود شهر ها و ممالک بد آب و هوا خراب و بی سکنه می ماند.

☪ حضرت محمد (ص)

☑ هرج و مرج های شدید همواره به استقرار حکومت دیکتاتوری منجر می گردد.

☪ ناپلئون

☑ بناپارت

☑ ملتی که تعصب وطن دوستی در روح او رو به ضعف گذارده باشد خیلی زود در تاریخ عالم نابود خواهد شد بی آنکه مهلت طی کلیه مراحل انحطاط را داشته باشد

☪ گوستاو_ لوبون

☑ خدمت به وطن نیمی از وظیفه است و خدمت به انسانیت نیم دیگر آن.

☪ ویکتور

☪ هوگو

☑ چقدر سخت است انسان بمیرد در حالی که به کشورش هیچ خدمتی نکرده

☪ ابراهام_ لینکلن

☑ یک ملت بزرگ محتاج به یک دولت ثابت است تا مرگ یک مرد موجب فتنای آن نگردد

☪ ناپلئون بناپارت

☑ در مدرسه باید وطن را فهمید

☪ میشله

☑ دانشی که تو را اصلاح نکند گمراهی است

(امام جعفر صادق)

☑ بزرگترین خیانتها این است که ترا راستگوی پندارند و دروغ بگویند

(حضرت محمد)

☑ باید با صبر و شکیبایی، عیبهایی را که نمی توانیم نه در



نفی قوم گرایی + شایسته سالاری = آرامش و ترقی

سید انور موسوی

آینده بهتر

مقدمه:

در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم عده ای به فکراحپای ناسیونالیسم و نژادپرستی بودند، ناگهان مساله اثر ناسیونالیسم و لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی در نظر اندیشمندان قوت گرفت و جنگهای بین مللی اول و دوم بر این اندیشه قوت بخشید و آنان دریافتند که وجود مرزهای ساختگی عامل جنگ و خونریزیهاست و برای رهایی از این بدبختی چاره ای جز این نیست که این مرزهای ساختگی درهم کوبیده شود و همه انسانها در کنار هم زیر یک لوا و پرچم حکومت واحدی داشته باشد.

ایا به این مسئله اندکی متعزز شده اید چه کسانی می توانند آرامش و ثبات را در کشور های اسلامی که در حال جنگ و درگیری هستند برقرار سازند؟ آنانیکه فریاد حقوق بشر و کرامت انسانی را سر می دهند! آنچه به نظر می رسد این پاسخ صحیح نبوده است و مورد قبول قرار نمی گیرد، زیرا تا جایی که منافع سیاسی و اقتصادی آنها ایجاب می کنند علی الظاهر زیر اوای بشر دوستی و حمایت از حقوق انسانها حرکت می کنند، اما هنگامیکه نفع اقتصادی و سیاسی برایشان نداشته و اچنانا ضرری متوجه آنها باشد که باعث فروپاشی اهداف و دشمناشه آنها شود دست به عملیات نظامی زده و تحت عنوان مبارزه یا تروریست، همان انسانهایی را که قبلا حمایت و دفاع از حقوق و کرامت انسانی شان برخواسته بود، رابوسی قومیت دعوت می کند و دارو دسته استعمار با اشاعه این افکار به مبارزه با اسلام برخاسته و برادرکشی را در داخل و خارج راه انداخته است و مایه عقب ماندگی مسلمانان در همه زمینه ها شده اند و همین طرز فکر برای گسستن وحدت مسلمانان و ایجاد تفرقه و دشمنی میان آنان کافی می باشد.

حال بحث ما اینست که چگونه گرد هم آییم ، یک ملت واحد و قدرتمند را تشکیل دهیم، تا توامند شده و نقشه های ناسیونالیسم استعمار گرا بر اب بنهیم. اول کاری که می توان انجام داد دست برداشتن از نژاد پرستی و قوم گرایی و روی آوردن به وحدت، اتحاد لیاقت و شایسته سالاری است. گرچه افراد، قوم و نژاد خود را به وحدت دعوت می کنند ولی از این قبضه هم خالی نیست که این قوم را از اقوام دیگر که همان وطن تشکیل شده است جدا می کند. زیرا این قوم، واحد متمایز می شود که روحا و جسما از سایر قومها جدا می باشد. با این ترتیب انسانیت از وحدت و یگانگی به دور می افتد به همان پراکندگی و تشتتی مبتلا می شود که از آن فرار می کرد. در این جریان روش این می شود که به قومهای دیگر به همان نظر نگاه کند که به دیگر اشیا و موجودات جهان نظر می کند و همانطور که اشیا را مورد استعمار قرار می دهد قوم های دیگر را مورد استعمار قرار دهد و تجربه ای که در طی اعصار و قرون خلقت تا کنون بدست آمده بر همین

مطلب گواهی می دهد و از این جهت اسلام این قبیل انشعابات و پراکندگی را در جامعه بشری الغاء نموده و بنای ملیت را بر عقیده و ایمان قرار داده است.

لذا خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ((اتاخلفناکم من ذکر و اتی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اگر ستم عداالله انفیکم.)) نه چیزهای دیگری از قبیل نژاد و وطن و نظائر آن. تجربیات تاریخ و وقایع مسلم تاریخ ثابت کرده است که رابطه ایمان برگردآوری افراد و ساختن امت واحد از عناصر دیگر به مراتب قویتر و نیرومندتر است و نیز وقایع تاریخی نشان داده است که چگونه عناصر که حقوقدانان در ایجاد جامعه بر آنها تکیه کرده اند در مواقع سخت و بحرانی از هم می پاشد و از ایجاد وحدت و هماهنگی در میان افراد عاجز و ناتوان می گردد. بالاخره تجربیات نشان داده که پیوندهای نژادی، قومی، همزبانی و... از ایجاد محکم ترین پیوندی که افراد انسانی جامعه را بهم وصل دهد به طوری که افراد جامعه مانند اعضا یک بدن درد همدیگر را احساس نماید ناتوان است. این مسئله حاکی از آن است که یگانه ملاک اساسی و پیوند طبیعی در ساختن امت واحد ایمان و وحدت عقیده است، دلایل و مدارک موجود نشان میدهد مسئله قومیت یکی از سلاحهای خطرناکی است که استعمار برای درهم کوبیدن وحدت امت اسلامی از آن استفاده می کند و به وسیله تحریک احساسات قوم گرایی و ناسیونالیستی در میان امت مسلمان ایجاد اختلاف می کند و در نتیجه به قومها و ملتبهایی مختلفی تقسیم می کند و به اهداف که همان تصرف اقتصاد و ممالک اسلامی هستند میرسد. درد آور اینکه امروز اسرائیل که دشمن سرسخت اسلام به شمار می رود از تمام نقاط جهان و از میان ملتها و قوم های مختلف پیروان دین یهود را بدون اینکه به اختلافات قومی، نژادی و زبانی آنها توجه کند زیر یک پرچم جمع می کند و از آنها امت واحد یهودی تشکیل می دهد و به این وسیله توانسته است در جهان قدرت بزرگی بر ضد اسلام بوجود آورد که متأسفانه عربهای مسلمان در راه مبارزه با آن عنصر قومی، نژادی و زبانی (عربیت) را پایگاه خود قرار داده اند و مسلمانان را کنار گذاشته اند و در نتیجه قدرت بزرگ و نیرومندی را در راه مبارزه با اسرائیل از دست داده اند و این باعث شده است فعلا مبارزه شدید و بی گیر میان مسلمانان و ناسیونالیست در کشورهای اسلامی در گرفته است و در هر کشور یا حمایت استعمار جمعیتی به وجود آمده که مردم را بسوی قومیت دعوت می کند و دار و دسته استعمار با اشاعه این افکار به مبارزه با اسلام برخاسته و برادرکشی را در داخل و خارج راه انداخته است و مایه عقب ماندگی مسلمانان در همه زمینه ها شده اند و همین طرز فکر برای گسستن وحدت مسلمانان و ایجاد تفرقه و دشمنی میان آنان کافی می باشد. امید است که از این تجربیات تلخ نتیجه خوبی گرفته و دست از قوم گرایی و نژاد پرستی برداشته و بسوی امت واحد و حکومت واحد بزویم.



کجا و به کجا

ندید داشتن؟
باشدا از آن به سرودی می رسم!
۱۱۱
ندید در زمین
خوش دارم فراموشش کنم!
ندید در زبره اندیشه ملا
نمی خواهم بروم باشم
نه اکنون
نه هیچ وقت
فرود ریش و بلهلم نیجه

مثل رانده امیدی کی رود
مشق باشد کان فرض بر سرود
لابلی مشق باشد نه زود
مثل آن بود که آن سوزی بود
دول ما مشق بر مشق نیست
در میان تانق و سرفق نیست
نوبت مشق خواهد جان خواه
تو از او آن رونق خواهد کن خواه
مه لانا محمد بن محمد بلخ

شرت طیبی بی سترکه ده بی بند
که فذ جان را به جسم بند
صد بار زمین سخن مردم ترشد
تا نام فلان بن فلان گشت بند

خلیل الله خلیلی

که مردی میان خون بید رفت
از پای قلاه سرگون بید رفت
تو پای به راه دزد و چوچ پهرس
هم راه بگیدت که چون بید رفت

عطار نیشابوری

گویند که فردوس برین خواهد بود
آنجای ماب و حور برین خواهد بود
که مای و مشوق کنیزیم بر پاک

چون عاقبت که از پنجه برین خواهد بود

خیام نیشابوری







غرور دلیرانم آرزوست

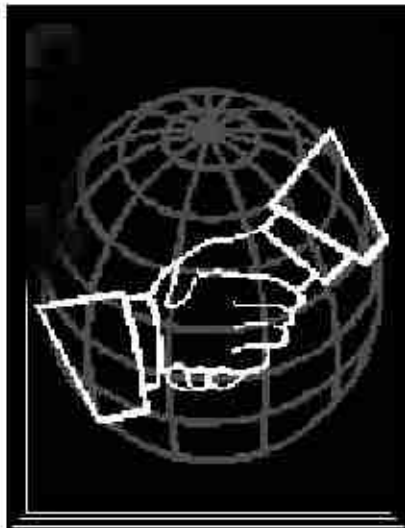
بنده با اوست بدانم آرزوست
 دیدار روی بدو علمانم آرزوست
 سرفراز آفتاب زمانم آرزوست
 پادشاه محبت اسامم آرزوست
 اندامان آندو فرمانم آرزوست
 سوادانی خود و میرانم آرزوست
 رفتن کوه و میدان و حریم
 بشین ترازو فرمانم آرزوست
 بنشین گوی ز کمانم آرزوست
 از باغیان بیرونم آرزوست
 آنگاه هرگز است عجز کن
 ماله زار بلانم آرزوست
 تعلق خضر نشان سرافرازی و علم
 ایام آسمان شیدا نام آرزوست
 بنام بر که نظر آیت ایست
 رخ علق ز چرخ جهانم آرزوست
 جسدین قور شیدان راه من
 از پیشین فدای فرمانم آرزوست
 منم سیرانم بدلی بیاد سیرانی
 از عالمان و ملک مغان آرزوست

درخت وجود

تیش قلب من تیرست بر درخت وجودم
 و صدایش سالک بیست در دل خاک
 شاخه هایش هم روی زمین بر گهایش هم زرد
 نور خورشید هم انگار سرد است
 شاید هم همه با من کفر است
 شاید هم دل من تنگ است
 به خیالم همه جانانم آرزوست
 اما این نیست همه جانانم آرزوست
 بهرانی نیست معرفت با نیست سرگرمیست
 ماردمانی ندیدم در بازار بهرانی می نزدیکند
 شاخه هایش را می بریدند می خندیدند
 شاید آن روز که نهد قلب من همگی با من باشند
 شاید من خیلی خوش دارم

حسن صادقی





مصاحبه

← ضمن عرض سلام و خسته نباشید حضور شما اندیشمندان گرامی، اما بعد مزید توفیقات حضرت عالی را در امر ترویج فرهنگ دین محوری اسلامی در جامعه را از حضرت دوست خواستاریم، غرض از تصدی وقت گرانبهای شما طرح چند سوال می باشد.

ابتدا خودتان را معرفی کنید و از سوابق علمی و تحصیلی خویش بفرمائید.

° فکر نمی کنم معرفی خودم چندان اهمیت داشته باشد، اسامی سید موسی صدر است.

← دیدگاه خویش را در مورد نقش فرهنگیان و رسالت ایشان در شرایط کنونی افغانستان در برابر مردم چه می باشد.

° بعد از شکست طالبان و پدید آمدن شرایط جدید، مهمترین عرصه کار و تلاش، فرهنگ جامعه است. فرهنگ جامعه ما فرهنگ دینی است اما سوگمندان این فرهنگ دینی آمیخته با یک سلسله خرافات و آویزه های قومی و قبیله ای شده است. کسانی که می خواهند این فرهنگ دینی را از جامعه ما بگیرند سعی می کنند از همین نقاط

ضعف استفاده کرده و از آنها ابزاری برای زدودن ارزشها و سنتهای دینی بسازند، رسالت فرهنگیان در چنین حالتی از یک سو پیراستن فرهنگ دینی از خرافات و از سوی دیگر نقد اندیشه های وارداتی است.

← معضل فعلی برای اتحاد در افغانستان قوم گرایی می باشد به نظر حضرت عالی بهترین راه عملی برای حل این مشکل چه می باشد و راههای پیاده نمودن آنها چگونه می باشد.

° قوم گرایی در افغانستان به شکل قوم ستایی نیست بلکه عمدتاً به شکل قوم مداری یعنی همه چیز را برای قوم و قبیله خود خواستن، مطرح است و این حالت نشانه عقب ماندگی فرهنگ و حقارت و کوچکی دنیای درونی قوم گرایان است و نشان می

دهد که آنان تا کتون درک و احساس درستی از جامعه و اجتماعی زیستن ندارند.

از بین بردن این حالت و توسعه دادن بیش مردم نسبت به زیست جمعی نیازمند تربیت فرهنگی و درونی ساختن ارزشهای متعالی دینی و مدنیت است که البته کار دراز مدت و گسترده را می طلبد.

← مسئله مهم اشتغال نسوان و استخدام کثیر ایشان از سوی موسسات خارجی می باشد که در حال حاضر روند رو به رشد شدیدی دارد آیا این روند تاثیر مثبتی در پیشرفت فرهنگی افغانستان خواهد داشت و یا خدای ناکرده پیامدهای ناگوار همراه با مشکلات

قوم گرایی در افغانستان به شکل قوم ستایی نیست بلکه عمدتاً به شکل قوم مداری یعنی همه چیز را برای قوم و قبیله خود خواستن، مطرح است

ستنی و اجتماعی به همراه خواهد داشت.

° تردیدی نیست که این روند تاثیر منفی و مخرب می گذارد. زن مسلمان وقتی در استخدام موسسات خارجی در می آید، در معرض آسیبهای اخلاقی و فکری قرار می گیرد و این آسیبها به خانواده کشیده شده اعضای آنرا تحت تاثیر قرار می دهد که این نخستین مرحله اضمحلال و از هم پاشیدن ارزشها و سنتهای اجتماعی و تغییرات منفی در ساختار و درونمایه فرهنگ جامعه است.

← در آخر چنانچه ما بیلید نظر خویش را در مورد دولت حاضر بفرمائید.

° دولت موجود هم امنیت آورده است و هم اسارت، به امید آنکه اولی بماند و دومی از بین برود.





فایل **USER.DAT** : این فایل برای ذخیره کردن اطلاعات User به کار می رود. هر زمان که شما از ویندوز خود خارج می شوید، سیستم بطور اتوماتیک یک نسخه پشتیبان از این فایل تهیه می کند. این فایل از نوع System, ReadOnly, hidden و نام آن USER.DAO می باشد. اگر به هر نحوی فایل USER.DAT خراب و یا پاک شود، سیستم از این فایل استفاده می کند.

فایل **SYSTEM.DAT** : این فایل برای نگهداری اطلاعات مربوط به سیستم استفاده می شود. این فایل نیز، از نوع System, ReadOnly, Hidden و نام آن SYSTEM.DAO میباشد نکته ای که باید در اینجا اشاره شود، این است که در پارتیشن بوت شما، یک نوع دیگر از فایل SYSTEM.DAT تحت عنوان SYSTEM.VST وجود دارد. این همان فایل رجیستری اولیه ساخته شده در حین نصب ویندوز است، اگر به هر دلیلی، هر دو فایل SYSTEM.DAT, SYSTEM.DAO خراب و یا پاک شود، ویندوز از این فایل استفاده می کند. ویندوزهای ۳۲ بیتی اطلاعات پیکربندی مربوط به سیستم و کاربران را نگهداری می کنند. پایگاه داده سیستم، حاوی اطلاعات مربوط به نرم افزارها و سخت افزارهای نصب شده بر روی کامپیوترتان است.

پایگاه داده کاربران حاوی اطلاعاتی در مورد اولویتها می مربوط به کاربران از قبیل تنظیمات Desktop و تنظیمات مربوط به برنامه های مختص هر کاربر می باشد. این دو نوع تنظیمات بطور مشخص در دو فایل USER.DAT, SYSTEM.DAT ذخیره می شوند.

هر مدخل در رجیستری یک کلید (key) نامیده می شود و کلیدهای رجیستری بصورت سلسله مراتبی، سازمان دهی می

رجیستری یک پایگاه داده با ساختار درختواره ای است که از آن بر ای ذخیره و بازیابی تنظیمات و پیکربندی های موجود در ویندوزهای ۳۲ بیتی مشتمل بر ویندوزهای ۹x, NT, Me, XP, ۲۰۰۰ استفاده می شود.

کاربر تغییراتی در تنظیمات کنترل پانل، انتصاب فایل به برنامه کاربردی، تنظیم System Policy و نرم افزار های نصب شده را اعمال می کند. بازتاب این تغییرات بصورت ذخیره سازی اطلاعاتی در رجیستری انعکاس می یابد.

تا قبل از نسخه های ۳۲ بیتی ویندوز، بسیاری از پیکربندیهای مختلف نرم افزاری و سخت افزاری در فایل های Win.ini و System.ini ذخیره می شدند. البته تنها از دو فایل جهت ذخیره سازی پیکر بندیها استفاده نمی شد بلکه با نصب هر نرم افزار یا هر سخت افزار یک سری فایل های ini دیگر نیز به سیستم اضافه می شدند. این ساختار دارای مشکلات اساسی بود، اساسی ترین مشکل آن، نبودن قالب استاندارد جهت ثبت این تنظیمات بود به این صورت که هر برنامه ای جهت ذخیره سازی تنظیمات علاوه بر این مکان ذخیره سازی این تنظیمات نیز پراکنده بود و فایل های ini مذکور در کل درایوها می توانستند توزیع شوند. بدینصورت بود که مایکروسافت به فکر افتاد که یک قالب استاندارد جهت ذخیره سازی تنظیمات مذکور ارائه کند که با ظهور ویندوز ۹۵، رجیستری بعنوان یک راه حل جهت حل مشکلات فوق ارائه شد. قابلهایی که رجیستری را تشکیل می دهند بسته به نسخه ویندوز بطور متفاوتی ذخیره می شوند. در ویندوز ۹x رجیستری در دو فایل مخفی در دایرکتوری ویندوز به نامهای USER.DAT و SYSTEM.DAT ذخیره می شوند. در حالیکه در ویندوز NT این فایلها بطور جداگانه در دایرکتوری windows/System۳۲/Config ذخیره می شود.



آدرس های اینترنتی

اگر دانشجوی فلسفه و یا علاقمند به این رشته می باشید در این قسمت با سایتهایی آشنا می شوید که می توانید از آنها استفاده کنید.

<http://www.Descartes-essays.com>
<http://www.Ethicspapers.com>
<http://www.John-stuart-mill.com>
<http://www.Locke-and-rousseau.com>
<http://www.Kant-essays.com>
<http://www.Personal.monash.edu.au/~deylphil>
<http://www.Philosophers.com.uk>
<http://www.Epistemelinks.com>

مکانهای عجیب و غریب

تصاویر و اطلاعاتی درباره مکانهای عجیب و باستانی و موجودات عجیب و نا آشنا که در این پایگاهها با آنها آشنا خواهید شد.

<http://www.Poddys.com/mystery.htm>
<http://www.World-mysteries.com/mpl.htm>
<http://www.World-mysteries.com/mpl-۱۰.htm>
<http://www.Mysteriousplaces.com>

در اینجا با چند آدرس از بزرگترین منابع هنر آشنا خواهید شد.

<http://www.art.net>
<http://www.Art-am.art.com/art/links.html>
<http://www.Artresources.com>
 و چند آدرس از منابع تاریخ هنر

<http://www.Witcombe.sbc.edu/ARTHLINKS.html>
<http://www.Umnich.edu/~hartspc/histart/mother>
<http://www.Mediateka.fbg.ac.yu>
<http://www.Art-history.concordia.ca/AHRC>
<http://www.Arthist.umn.edu>
<http://www.Santacruz.mh.org>
<http://www.Arthistory.net>
<http://www.Artatem.com>

شوند. کامپیوتر شما بعنوان ریشه این درخت سلسله مراتب می باشد و در سطح بعد نیز ریشه های دیگری نیز قرار دارند که فرزند این ریشه هستند و هر ریشه دارای زیر کلیدهایی نیز هست و این مطلب در مورد سطوح پایینتر نیز صادق است. این ساختار مانند ساختار یک شرکت بسیار بزرگ است که دارای یک مدیر عامل است و زیر نظر او روسای بخشهای مختلف کار می کنند و زیر نظر هر رئیس نیز تعدادی مدیر و زیر نظر هر مدیر نیز تعدادی کارمند وجود دارند. این سلسله مراتب نیز بطور وسیعتر در رجیستری وجود دارد.

جهت مدیریت کلیدها، مقادیر و داده ها از برنامه Regedit استفاده می کنیم. برای اجرای این برنامه باید عبارت Regedit را در کادر محاوره ای که با کلیک نمودن بر روی گزینه Run از منوی Start ظاهر می شود تایپ کنیم.

توصیه می شود که هیچ گاه بدون اطمینان کامل و آگاهی در این قسمت تغییراتی ایجاد نکنید زیرا ممکن است خسارتهای جبران ناپذیری گریبان شما بگیرد و باعث اختلال در کار سیستم عامل شما شود. برای انجام تغییرات دلخواه و مورد نیاز خود از منابع معتبر استفاده کنید. ما در این قسمت قصد داریم تا در هر شماره یکی از ترفندهای جالب و مورد نیاز کاربران را بیان کنیم امید است که مورد توجه و علاقه شما قرار بگیرد.

ترفند registry

یکی از مشکلاتی که کاربران ویندوزهای ۲۰۰۰ و XP دارند کندی سرعت خارج شدن از ویندوز می باشد.

برای رفع این مشکل به یکی از ترفندهای رجیستری متوسل می شویم. بعد از تایپ کردن واژه regedit در کادر Run از start وارد رجیستری می شویم، سپس به آدرس
**KEY_CURRENT_USER\CONTROL
 PANEL\DESKTOP**
 مراجعه کنید سپس مقدار (گزینه) WaitToKillApp Timeout را بیابید، این مقدار از نوع String value می باشد، زمان پیش فرض ویندوز ۲۰۰۰۰ میلی ثانیه می باشد که شما می توانید آنرا به نصف یا کمتر کاهش دهید.





استراتژی های توسعه تکنولوژی را می توان به صورت زیر دسته بندی کرد :

(۱) سیاست تحقیق و توسعه داخلی که موارد ذیل را دربرمی گیرد :

- * ایجاد مرکز تکنولوژی و توسعه برای سیاست گذاری های لازم در جهت توسعه تکنولوژی
- * سرمایه گذاری کلان ملی در جهت تحقیق و توسعه در مراکز تحقیقاتی و آموزشی
- * کاربردی کردن تحقیقات در جهت حل مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و صنعتی

* اتکاء هرچه بیشتر به توانائیهای علمی و فنی داخل کشور به منظور افزایش قدرت رقابت ملی در صحنه های بین المللی

- * ایجاد فضاهای آموزشی لازم مانند دانشگاهها، مراکز آموزش عالی و فنی حرفه ای در سطوح عالی
- * ایجاد رابطه بین صنعت ، دانشگاهها و برنامه ریزی ملی .

(۲) سیاست انتقال تکنولوژی از کشورهای صاحب تکنولوژی

(۴) سیاست مشترک مخلوطی از سیاستهای ۲ و ۱

باتوجه به وضعیت موجود علم و تکنولوژی در کشورهای درحال توسعه و درجه پیشرفت سریع بشر در این زمینه باید گفت که ایجاد و خلق تکنولوژی از طریق تحقیق و توسعه نه امکان پذیر است و نه اقتصادی. بدین جهت است که کشورهای درحال توسعه برای اجرای سیاستهای توسعه صنعتی خود نیازمند خرید تکنولوژی از کشورهای صنعتی هستند. مکانیسم این خرید از ابتدا تا پایان یعنی شناخت و انتخاب تا مراحل نهایی توسعه و نهایی تکنولوژی جدید تحت عنوان انتقال تکنولوژی نامیده می شود .

انتقال تکنولوژی

همان طوری که قبلا گفته شد تکنولوژی یک مجموعه عوامل و عناصر مرتبط به یکدیگر است، بنابراین منظور از انتقال تکنولوژی انتقال و جایجایی کلیه عوامل و عناصر تکنولوژی از انتقال دهنده به گیرنده است. در اغلب مواقع کلیه این عوامل و عناصر به کشورهای گیرنده منتقل نشده و آن را دچار مشکلاتی مانند اضافه هزینه ،

در دنیای امروز رابطه ای مستقیم بین توسعه تکنولوژی و پیشرفت اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی یک کشور برقرار است. به طوری که می توان گفت تکنولوژی عاملی اساسی برای ایجاد ثروت ، توانایی و دانایی کشورها بوده و وسیله ای قدرتمند در توسعه ملی تلقی می شود. بدین جهت است که در سطح بین المللی ، جنگ اقتصادی تکنولوژیک جانشین جنگهای نظامی گردیده است. بنابراین اتخاذ استراتژی های توسعه تکنولوژی در بخشهای مختلف اقتصاد کشور جزء ضروریات بازرگانی و توسعه اقتصادی کشور بوده و بدون آن دستیابی به اهدافی چون خودکفایی اقتصادی ، توسعه ملی و بهبود استانداردهای زندگی غیرممکن است .

تکنولوژی را می توان ترکیبی از ابزارهای فنی و دانش فنی برای ساخت دانش که چهار جزء متمایز آن یعنی ابزار فنی ، ابزار انسانی ، ابزار اطلاعاتی و ابزار سازمانی در تعامل یا یکدیگر عاملی تعیین کننده برای توسعه اقتصادی هستند. در واقع ماشین و تجهیزات در سایه توانائیهای انسانی به همراه اطلاعات و دانش فنی با مدیریت و سازماندهی منسجم سبب توسعه اقتصادی می گردند .

به طور کلی می توان گفت تکنولوژی مجموعه عوامل و عناصری است که با ترکیب آنها توان و ظرفیت طراحی و تولید کالا یا خدمات فراهم می شود. این عوامل می توانند عوامل سخت افزاری مانند تجهیزات و ماشین آلات و یا عوامل نرم افزاری چون دانش فنی باشد . چنانچه سرمایه کافی فراهم باشد عوامل سخت افزاری به سهولت تأمین می گردد، لیکن در صورت فراهم نماندن عوامل نرم افزاری این اسکانات عامل و باطل مانده و یا با بازدهی اندکی کار خواهند کرد .

عوامل نرم افزاری عبارتند از :

- * دانش فنی طراحی و ساخت محصول
- * دانش فنی و طراحی و احداث واحد تولید محصول
- * دانش فنی بهره برداری بهینه از واحد تولید محصول

استراتژی های توسعه تکنولوژی

استراتژی درقبال تکنولوژی باید درجهت دستیابی به خوداتکایی تکنولوژی باشد زیرا خوداتکایی در تکنولوژی لازمه توسعه اقتصادی یا حفظ استقلال سیاسی است. خوداتکایی تکنولوژی به مفهوم دارا بودن قابلیت و ظرفیت در کاربرد توسعه تکنولوژی موجود، توانایی تشخیص و انتخاب تکنولوژی یا بهترین شرایط ممکن و تلفیق آن با قابلیتهای ذاتی خود و در نهایت ایجاد ظرفیت و توان در طراحی فرایند تولید محصول یا ارائه خدمات است .



منظور از جذب تکنولوژی این است که در انتهای قرارداد انتقال گیرنده آن قادر به کپی سازی از روی قطعات و طراحی مجدد که بر مبنای تحلیل و شناخت عمیق تکنولوژی و قوانین اصلی یا هماهنگی با نیازها و شرایط جدید صورت می گیرد باشد. منظور از سازگاری تکنولوژی این است که تکنولوژی وارداتی با عوامل درونی مانند نیروی انسانی مورد نیاز، اطلاعات و دانش فنی، تجهیزات و ماشین آلات و مدیریت و سازماندهی و همچنین عوامل بیرونی مانند زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کشور گیرنده سازگار باشد.

هماهنگی با قوانین و مقررات و حمایت های دولت از صنعت مزبور و سطح تکنولوژی مربوطه در کشور
 < هماهنگی لازم بین عوامل درونی و بیرونی تکنولوژی
 < به فعالیت هایی که در جریان انتقال تکنولوژی توسط گیرنده در سطح دولت، صنعت و مؤسسه انجام می گیرد تا انتقال موثر و موفقیت آمیز بوده و موجب سازگاری و تبلور آن شود به عنوان مشارکت های گیرنده تکنولوژی از آن نام برده می شود.

مشارکت دولت در انتقال تکنولوژی:

دولت باید یک برنامه استراتژیک بلندمدت برای توسعه تکنولوژی کشور داشته باشد و با توجه به ارتباط مستقیم توسعه تکنولوژی و توسعه اقتصادی، برنامه توسعه تکنولوژیکی را در برنامه های توسعه اقتصادی بلندمدت خود ادغام کند. همچنین دولت باید سرمایه گذاری های لازم را برای ایجاد یک نظام مناسب مدیریتی در کشور و تربیت نیروهای مدیریت آگاه و توانا انجام دهد. به طور کلی فعالیت هایی که از طرف دولت برای انتقال موثر و موفقیت آمیز تکنولوژی باید انجام گیرد به شرح زیرند:

- (۱) تعیین و تدوین برنامه ها و استراتژی های توسعه تکنولوژی
- (۱-۱) ادغام برنامه های توسعه تکنولوژی با برنامه توسعه ملی
- (۲-۱) نهادی کردن برنامه ملی توسعه تکنولوژی سازمان دادن و ایجاد مراکز و سازمانهای لازم
- (۳-۱) تخصیص منابع بر اساس اولویت های برنامه توسعه تکنولوژی
- (۴-۱) تقویت زیرساخت های تکنولوژی شامل:
 - توسعه منابع انسانی مورد نیاز نیروی انسانی متخصص در زمینه های فنی لازم
 - توسعه زیرساخت های تشکیلاتی و نهادی آموزشی، تحقیقاتی و توازن بین فکر و مهارت ایجاد زمینه های لازم آموزش های فنی.

استفاده نکردن کامل از ظرفیت تولید و غیره می کند. در واقع کشورهای صنعتی هیچگونه تمایلی به واگذاری تکنولوژی به کشورهای در حال رشد را ندارند و برای حفظ تسلط خود بر آنها از کلیه توان و نیروی خود استفاده می کنند.

با وجود موانع و مشکلات که در انتقال کامل یک تکنولوژی از یک کشور صنعتی به یک کشور در حال توسعه وجود دارد چنانچه این انتقال بر اساس یک برنامه تکنولوژی تهیه و تنظیم شده باشد، کشور در حال توسعه می تواند با انتقال و جذب تکنولوژی مورد نظر و با طی مراحل تطبیق و سازگاری به اهداف خود انکابی تکنولوژی دست یابد. بنابراین باید سعی گردد با تخصیص بهینه سرمایه گذاری، ایجاد زیرساخت های لازم و اتکا به تواناییهای ملی و جهت گیری صحیح فعالیتها، زمینه مناسبی برای جذب و تبلور تکنولوژی های موجود داخلی و جذب و تبلور تکنولوژی های کشورهای خارجی فراهم آورد.

انتقال کامل و موفقیت آمیز تکنولوژی زمانی حاصل می شود که شرایط جذب سازگاری و تبلور آن فراهم گردد. منظور از جذب تکنولوژی این است که در انتهای قرارداد انتقال گیرنده آن قادر به کپی سازی از روی قطعات و طراحی مجدد که بر مبنای تحلیل و شناخت عمیق تکنولوژی و قوانین اصلی یا هماهنگی با نیازها و شرایط جدید صورت می گیرد باشد. منظور از سازگاری تکنولوژی این است که تکنولوژی وارداتی با عوامل درونی مانند نیروی انسانی مورد نیاز، اطلاعات و دانش فنی، تجهیزات و ماشین آلات و مدیریت و سازماندهی و همچنین عوامل بیرونی مانند زیرساخت های اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کشور گیرنده سازگار باشد. منظور از تبلور تکنولوژی یعنی بومی شدن تکنولوژی این است که گیرنده تکنولوژی پس از جذب تکنولوژی و کسب اسادگی های لازم و ایجاد تواناییهای طراحی، قادر به سازگاری تکنولوژی وارداتی با شرایط بومی و تغییر و تطابق فرایندهای تولید محصول، اطلاعات دانش فنی و مدیریت سازماندهی با شرایط جدید باشد.

مهم ترین عامل برای دستیابی به یک تکنولوژی از طریق انتقال و جذب و تبلور آن عبارتند از: ثبات سیاسی و اقتصادی گیرنده، وجود برنامه توسعه تکنولوژی لازم، وجود مراکز تحقیقات و توسعه ملی کارا، وجود گروهها و تیم مهندسان مشاور، تکنولوژی مطلوب، منابع انسانی کننده.

مشارکت گیرنده در انتقال تکنولوژی

برای انتقال موثر و موفقیت آمیز یک تکنولوژی، جذب، سازگاری و بومی شدن آن باید شرایط لازم از طرف گیرنده آن در سطح دولت، صنعت و مؤسسه فراهم آید. این شرایط عبارتند از:

- < سازگاری عوامل درونی تکنولوژی مانند: نیروی انسانی مورد نیاز، تجهیزات و ماشین آلات لازم، اطلاعات و دانش فنی، مدیریت و سازماندهی مناسب؛
- < سازگاری عوامل بیرونی مانند: هماهنگی با زیرساخت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و همچنین



- د - ایجاد سیستم های رهبری و انگیزشی مناسب ؛
 ر - ارزیابی و نظارت بر اجرای برنامه های تدوین شده .

مراحل مختلف انتقال تکنولوژی

روند پیچیده ای را که منجر به انتقال تکنولوژی می گردد می توان در چهار مرحله زیرطبقه بندی کرد: شناخت و انتخاب ، مذاکره ، عقد و امضای قرارداد و نظارت و حسن انجام قرارداد .
 با توجه به ارتباط مستقیم موسسه در امر انتقال ، جذب و سازگاری تکنولوژی در زیرفعالیت هایی را که از طرف موسسه در مراحل مختلف انتقال تکنولوژی باید انجام گیرد شرح داده می شوند .

مرحله شناخت و انتخاب : این مرحله مهم ترین مرحله

در فرایند انتقال تکنولوژی است زیرا اگر این مرحله به درستی انجام شود امکان این فراهم می شود که انتقال با موفقیت صورت گیرد. در این مرحله با انجام امور پژوهشی و تحقیقاتی و با استفاده از بررسی های کارشناسی ابتدا باید به این سوالها پاسخ داد: به چه نوع تکنولوژی احتیاج است؟ تکنولوژی های

موجود در بازار کدامند؟ و

با توجه به امکانات و شرایط

مناسب ترین استراتژی کدام

است؟ به طور کلی فعالیت

های این مرحله عبارتند از:

مشخص کردن تکنولوژی

موردنیاز و موجود در بازار ؛

انتخاب مناسب ترین

تکنولوژی و تعیین منبع آن ؛

ارزیابی فنی و اقتصادی

طرح ؛

ارزیابی تکنولوژی های

موجود در بازار در رابطه با

عوامل هفتگانه محیطی. این

عوامل عبارتند از :

۱- تکنولوژی " کارایی ،

انعطاف پذیری ، عوامل

زیربنایی "

۲- اقتصادی هزینه ، سود، بهره وری ، استعداد بازار "

۳- منابع " منابع مالی ، نیروی انسانی متخصص ، انرژی " ...

۴- جمعیتی " نرخ رشد جمعیت ، سطح بیسوادی ، سطح

بیکاری " ...

۵- محیطی " آب ، هوا ، خاک " ...

۶- اجتماعی و فرهنگی " سازگاری یا فرهنگ ، ارزشها " ...

۷- سیاسی و قضایی " سازگاری با نهادها، سیاستها " ...

مرحله مذاکره

حرفه ای ، تخصصی ... ایجاد شبکه های اطلاع رسانی قوی و مناسب

توسعه مهارتهای مدیریت و سازماندهی

(۲) تعیین ضوابط، مقررات ، قوانین و ترتیبات مربوط به انتقال

تکنولوژی

(۳) تعیین ضوابط، مقررات و قوانین حمایتی در جهت جذب ، سازگاری

و تبلور تکنولوژی های وارداتی

مشارکت بخش صنعت در انتقال تکنولوژی : بخش صنعت باید با به

کارگیری امکانات و صنایع لازم زمینه مساعدی را برای اجرای برنامه

های توسعه تکنولوژی ملی تدوین شده در بخش دولت ، ایجاد کرده و

تسهیلات لازم را در این امر فراهم سازد بنابراین مشارکت بخش

صنعت در انتقال و جذب تکنولوژی از اهمیت خاصی برخوردار

است. فعالیت هایی که از طرف بخش صنعت برای انتقال موثر

تکنولوژی باید انجام گیرد به شرح زیرند :

تدوین هدفها و استراتژی های انتقال تکنولوژی در بخشهای

مختلف صنعت با توجه به برنامه توسعه تکنولوژی ملی " ارزیابی

تکنولوژی های موجود در داخل و خارج و تعیین نیازهای

تکنولوژی کشور ؛

تدوین برنامه ها و تخصیص منابع برای توسعه تکنولوژی ؛

تربیت نیروی انسانی

متخصص موردنیاز ؛

ایجاد سازمانها و نهادها

زیربنایی و اطلاعاتی

ایجاد واحدهای تحقیقی

و توسعه در شرکتهای صنعتی و ارتباط با

ناشرانها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی ؛

تشویق و به کارگیری

مهندسان مشاور، واحدهای طراحی و

مهندسی ، مهندسان و مدیریت پروژه ؛

حمایت بخش موردنیاز در جهت

جذب تکنولوژی های موردنیاز ؛

رهبری و نظارت فعالیت های

انتقال تکنولوژی در سطح موسسه ها

مشارکت موسسه در انتقال

تکنولوژی : فعالیت هایی که در بخش

موسسه برای انتقال موثر تکنولوژی باید انجام گیرد عبارتند از :

الف - تدوین هدفها و برنامه های انتقال برای توسعه

تکنولوژی ؛

ب - سازماندهی فعالیت های لازم برای انتقال و توسعه

تکنولوژی ؛

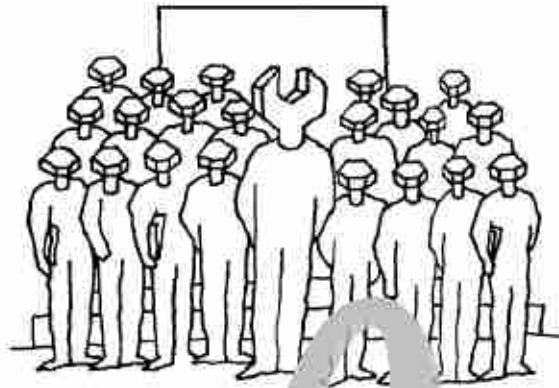
ج - تخصیص منابع موردنیاز برای انتقال و توسعه

تکنولوژی ؛

د - آموزش نیروی انسانی موردنیاز ؛



خیمه و تنظیم یک برنامه زمانبندی شده برای مراحل مختلف انتقال دانش فنی و جذب آن :



تعیین یک تیم کارشناسی و مهندسی برای جذب بهتر تکنولوژی در سطوح پنجگانه و تبادل آن :
 دریافت اطلاعات و دانش فنی لازم در سطوح مختلف بر طبق برنامه زمانبندی شده در قرارداد :
 بررسی اطلاعات و دانش فنی اخذ شده توسط مهندسان مشاور و در صورت لزوم رفع نقایص و کمبودهای آن توسط انتقال دهنده :
 استفاده از بیمانکاران و مهندسان داخلی برای طراحی واحد تولیدی محصول با توجه به مشخصات سالن های تولید، کارگاهها، ماشین آلات، حمل و نقل و ... :
 بررسی کارشناسانه روشهای تولید، فرایند تولید، خطوط مونتاژ و رفع اشکالات احتمالی آنها :

- تلاش برای دریافت دانش فنی و تکنولوژی به روز شده ؛
 - رفع اختلافات ناشی از عدم رعایت و اجرای کامل مفاد قرارداد :

در زمان تعیین شده از طریق مسالمت آمیز و در صورت لزوم اقدامات لازم از طریق دعای حقوقی :

- طراحی روش تولید و انتخاب ماشین آلات به طوری که انعطاف پذیری لازم برای طرحهای بعدی محصول موجود باشد برای این منظور بهتر است ماشین آلات و قطعات را به جای یک تامین کننده از تامین کنندگان متعدد استفاده کرد " برای جلوگیری از وابستگی " :

- اقدام بر ساخت قطعات یا قسمتهایی از محصول یا ماشین آلات در داخل انعقاد قراردادی شرکتهای داخلی " :

تامین نیروی انسانی متخصص لازم و آموزش وی برای سطوح مختلف :

- استفاده از اطلاعات و دانش فنی کسب شده از طرف مهندسان مشاور و بخش تحقیق و توسعه برای :

الف - جذب تکنولوژی طراحی و ایجاد واحد تولیدی محصول ایجاد قابلیت و توانایی برای ساخت ماشین آلات و تجهیزات لازم برای کارخانه در داخل ، همچنین طراحی و استقرار ماشین

مذاکره کننده باید آگاهی کامل از قوانین و مقررات کشورهای خارجی و بین المللی داشته ، دارای دانش و تجربه کافی در مورد مسائل فنی ، مالی و حقوقی بوده و دارای توان چانه زنی باشد. بنابراین در این مرحله به موارد زیر باید توجه شود :

انتخاب تیمی متشکل از افراد مجرب و ماهر برای مذاکرات فنی :

ایجاد شرایط لازم برای بازدید تیم مذاکره کننده از شرکتهای مشابه داخلی و خارجی :

آموزشهای لازم در مورد تیم مذاکره کننده :

تشکیل جلسات کارشناسی مسئولان یا تیم مذاکره کننده برای رهبری و نظارت آنها .

مرحله انعقاد قرارداد

در این مرحله نیز مانند مراحل قبلی گیرنده تکنولوژی باید بسیار دقیق بوده و باهوشیاری کامل عمل کنند زیرا واگذار کنندگان تکنولوژی در هر مرحله ای سعی بر این دارند که از انتقال کامل و واقعی تکنولوژی جلوگیری کنند فعالیت هایی که توسط گیرنده در این مرحله باید انجام گیرد به شرح زیرند :

تهیه نسل نویس قرارداد و مشخص کردن روش و مراحل مختلف انتقال و جذب تکنولوژی :

ذکر تمام موارد لازم در متن قرارداد: بخصوص انتقال دانش فنی مربوط به ابعاد پنجگانه طراحی محصول ، تولید محصول ، طراحی واحد تولیدی محصول ، احداث واحد تولیدی محصول ، نحوه بهره برداری بهینه از واحد تولیدی محصول و شکل های مختلف انتقال اطلاعات ، برنامه های نرم افزاری لازم و غیره ؛

تعیین یک برنامه زمانبندی شده برای هر یک از مراحل انتقال :

تعیین کردن مهندسان مشاور و حیطه نظارت و فعالیت های آنها :

رعایت عدم وابستگی به ماشین آلات ، تجهیزات ، قطعات و مواد اولیه وارداتی یا قید اینکه کشور انتقال دهنده تکنولوژی ملزم باشد تا زمانی که نیاز است آنها را تامین کند " :

- ملزم کردن انتقال دهنده به داشتن ماشین آلات و دانش فنی بهنگام ؛

- رعایت قوانین و مقررات موجود در کشور و همچنین قوانین و مقررات کشورهای خارجی و بین المللی در مورد انتقال تکنولوژی .

مرحله نظارت بر حسن انجام مفاد قرارداد

شرکت گیرنده تکنولوژی در این مرحله نیز باید نهایت دقت خود را مبذول دارد زیرا در این مرحله است که انتقال و جذب تکنولوژی دانش فنی در سطوح پنجگانه انجام می گیرد. فعالیت های این مرحله عبارتند از :



اعزام کارشناسان و متخصصان داخلی به نمایشگاههای بین المللی صنعت و بازدیدهای مکرر آنها از کارخانجات داخلی و خارجی سازندگان ماشین آلات و تجهیزات مربوطه یا مشابه، ارتباط با کارخانجات سازنده ماشین آلات داخلی و خارجی و گرفتن اطلاعات لازم از آنها باعث افزایش قابلیت ها و دانش فنی کارشناسان داخلی در مورد ساخت ماشین آلات و تجهیزات خواهد بود. همچنین ایجاد دوره های آموزشی مورد نیاز، راه اندازی سمینارها و کنفرانس های داخلی و خارجی باعث ارتقا دانش فنی نیروی انسانی شده و لذا جذب دانش فنی به طور کامل انجام می گیرد. از همه مهمتر باید به این نکته توجه شود که برای سازگاری بین عوامل و عناصر چهارگانه تکنولوژی "سازماندهی و مدیریت، نیروی انسانی ماهر، ماشین آلات و تجهیزات، دانش فنی و اطلاعات" وجود مدیرانی کارآمد، خلاق، شایسته و جسور لازم است.

اغلب کشورهای انتقال دهنده علاقه ای ندارند که دانش فنی لازم را انتقال دهند و بیشتر مایل به فروش سخت افزارهای تکنولوژی هستند، به طوری که لیستی از ماشین آلات و تجهیزات را که لازم است از طرف آنها تامین شود به گیرنده تکنولوژی تحویل می کنند. در صورتی که تامین ماشین آلات و تجهیزات بدین صورت عمل اشتباهی بوده و باعث وابستگی بیشتر می گردد

آلات، ایجاد سالن ها و کارگاهها، حمل و نقل و روشهای تولید توسطیمانکاران داخلی -

ب - جذب تکنولوژی بهره برداری بهینه از واحد تولیدی محصول ایجاد قابلیت توانایی سازماندهی و مدیریت مناسب، برنامه ریزی و کنترل تولید کنترل کیفی، تعمیر و نگهداری ماشین آلات و تجهیزات -

تهیه نرم افزارهای مورد نیاز برای طراحی محصول و فرایند آن -

ایجاد سازگاری و انطباق تکنولوژی: سازگاری و انطباق در دو حیطه باید مورد نظر باشد -

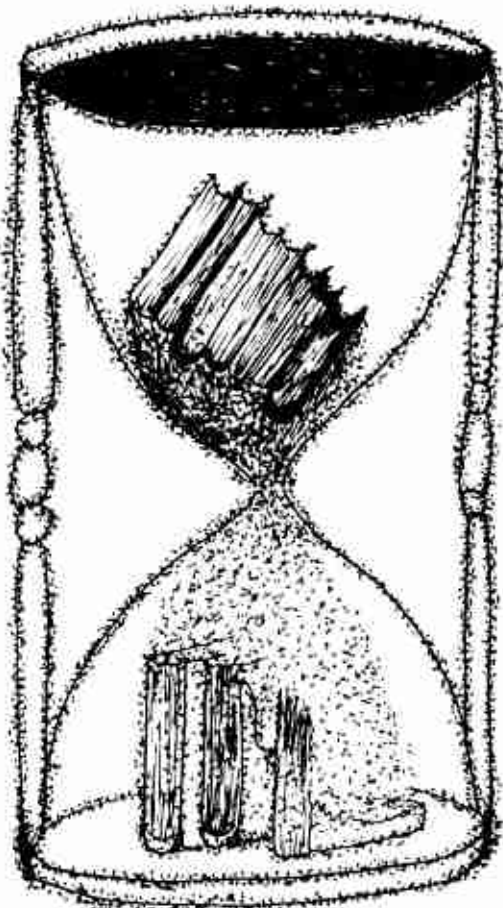
الف - سازگاری و انطباق بین عوامل و عناصر تکنولوژی سازماندهی و مدیریت، نیروی انسانی ماهر، ماشین آلات و تجهیزات، دانش فنی و اطلاعات *

ب - سازگاری و انطباق تکنولوژی با شرایط محیطی عوامل هفتگانه -

بهبود تکنولوژی جذب شده و تبلور آن از طریق بهبود و ارتقا سطح دانش فنی مورد نظر و افزایش کیفیت -

نتیجه گیری

در انتقال تکنولوژی باید توجه شود که کلیه دانش فنی لازم دانش فنی پنجگانه "انتقال و جذب گردند. اغلب کشورهای انتقال دهنده علاقه ای ندارند که دانش فنی لازم را انتقال دهند و بیشتر مایل به فروش سخت افزارهای تکنولوژی هستند، به طوری که لیستی از ماشین آلات و تجهیزات را که لازم است از طرف آنها تامین شود به گیرنده تکنولوژی تحویل می کنند. در صورتی که تامین ماشین آلات و تجهیزات بدین صورت عمل اشتباهی بوده و باعث وابستگی بیشتر می گردد. تعیین مشخصات سخت افزار تکنولوژی و تامین آنها باید پس از جذب کامل دانش فنی و اطلاعات کامل توسط تیم شرکت کننده در فرایند انتقال و جذب انجام بگیرد تا هم دانش فنی جذب شده و هم ماشین آلات مناسب تعیین شوند و باید توجه داشت که مجموعه اطلاعات و دانش فنی دریافت شده از طرف انتقال دهنده در رابطه با فرایند تولید و طراحی خطوط تولید منابع نباید عینا پیاده شود بلکه باید تنها به عنوان یک راهنما بوده و برای طراحی بخشهای مختلف تولیدی واحداث کارخانه از کارشناسان شرکت استفاده گردد





رقیه قربانی

میگرن

میگرن یا سردرد ادواری یک بیماری است از نوع بیماریهایی که امروزه نام آنرا بیماریهای جسمی و روحی گذاشته اند، یعنی بیماریهایی که علائم مرضی جسمی دارد. مثل زخم معده و لیکن ریشه آنها روحی است. مثل اضطراب ها و خشم ها و سایر حالات روانی که ممکن است بطور مستمر برای شخص پیش بیاید و اما میگرن کاملا در این طبقه نمی گنجد زیرا تا کنون کسی نتوانسته است ضایعه جسمی آن را نشان بدهد ولی چون حالات دردناکی است اینست که میشود آن را از این مقوله به حساب آورد.

معمولا اشخاص حساس، اهل ادب، هنر و تحقیقات علمی و معلمان دچار این بیماری می شوند مثلا پطرب کبیر، تسار روسیه و نیچه فیلسوف معروف، الکساندر پوپ شاعر، هرشل ستاره شناس و غیره همه باین درد مبتلا بودند.

اشخاص حساس بیش از همه از این درد رنج می کشند مخصوصا کسانی که باین موضوع آگاه نیستند که عواطف شان حالت کودکانه خود را حفظ کرده و در واقع نازک نارنجی و زود رنج باقی مانده اند. اتفاقا تحقیقاتی که در رشته بیماریهای جسمی که ریشه روانی دارند به عمل آمده نشان می دهد که میگرنی ها دارای شخصیتی ناتوان هستند و اعتماد به نفسشان خیلی زود در معرض تهدید و نوسانات شدید قرار می گیرند. نکته جالب آنست که بسیاری از میگرنی ها در محیطی تربیت شده اند که اطرافیان نه تنها در ابراز محبت خود به آنها دست و دل باز نبودند بلکه آنها را مورد سرزنش و عتاب و خطاب های فراوان نیز قرار می دادند. اینست که میگرنی ها از یکطرف عطش زیادی به حسن تفاهم و محبت دارند و از طرف دیگر قادرند به شدت از خود انتقاد کنند.

در حقیقت وجدان اخلاقی در آنها خیلی شدید است و اینهمه از طرز تربیت دوران کودکی سرچشمه می گیرد.

عده زیادی از میگرنی ها توقعات خیلی زیادی از خویشان دارند مثلا فلان مرد بیش از اندازه در کارش وسواس و موشکافی دارد و یا فلان زن در نظافت خانه و امور خانه داری بیش از حد لازم دقت و مراقبت از خود نشان می دهد. نکته مهم اینست که اکثر میگرنی ها در بیان عواطف محبت آمیز و خشونت بار یا پرخاشگرانه خود دچار اشکال هستند. این طرز رفتار تاریخچه درازی دارد. مثلا کشف شده است که این اشخاص در دوران اولیه زندگی خود در لحظاتی که می بایستی احساسات و عواطف خود را بروز می دادند دچار وقفه می شدند بعبارت دیگر نمی توانستند علنا در برابر بزرگتران ایستادگی و مخالفت کنند. نتیجه

این وضع آنست که اینان در کودکی در محیطی که پر از شکوه و بی عدالتی بوده و جدال و کشمکش قطع نشدنی میان قوای وحشی غریزی آنها از یک طرف و توقعات تربیتی و اجتماعی محیط زندگی شان از طرف دیگر بوده، بزرگ شدند. بعبارت دیگر آنچه را که می بایستی در قالب منازعات کم اهمیت خانوادگی از خود بیرون می ریختند از ترس قدرت نمائی مربیان فرو خوردند و جزو شخصیت شان گردیده در نتیجه امروزه نیز وقتی که کشمکش بین توقعات غریزی آنها با توقعات اجتماعی که در آن زندگی می کنند، در می گیرد درست مثل اینست که نیروی مقاومتی در برابر توقعات اجتماعی ندارند و تسلیم محض آن می شوند و در نتیجه به خیالبافی می پردازند و ساعتی درازی در جهنم سردرد شدیدی که میگرن نام دارد دست و پا می زنند. زیر آن نیروی را که می بایستی بصورت یک خشم موقت بیرون می ریختند در شخصیت خود متراکم می کنند و همین نیروی مصرف نشده متراکم چه بسا سردرد شدیدی عارضشان خواهد کرد. اگر شما که این مقاله را می خوانید میگرنی باشید می بینید آنچه را که در بالا گفتیم درباره شما هم کم و بیش صادق است و آرزوی تان آن است که بالاخره روزی از شر حملات کشنده میگرن رهایی یابید. تنها راهی که پیش پایتان هست آنست که در مورد کشمکش هایی که در بالا بدان اشاره کردیم و گفتیم که میان توقعات اجتماعی و خانوادگی از یکطرف و نیروهای وحشی غریزی از طرف دیگر در می گیرد دقیق شوید اجازه دهید اندکی روشتر مطلب را بیان کنیم. این دو نیروی متخاصم که در روح تان هست یکی آنست که خیلی به محبت احتیاج دارید زیرا آن را در کودکی از شما مضایقه کردند و دیگر آنست که عده ای که نمایندگان آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی و تربیتی محیط زندگی تان هستند نمی گذارند این محبت به شما ارزانی شود.

تا اینجا میگرن را از دریچه روانشناسی و روانکاو دیدیم ولی بد نیست به تحقیقاتی نیز که در این باره شده است اشارتی بکنیم: میگرن در طلب یک بیماری کشنده نیست ولی دردناکتر از هر نوع سردرد دیگری است و سه تا پنج در صد مردم اروپایی



میگرنی ها از یکطرف عطش زیادی به حسن تفاهم و محبت دارند و از طرف دیگر قادرند به شدت از خود انتقاد کنند.

در حقیقت وجدان اخلاقی در آنها خیلی شدید است و اینهمه از طرز تربیت دوران کودکی سرچشمه می گیرد.

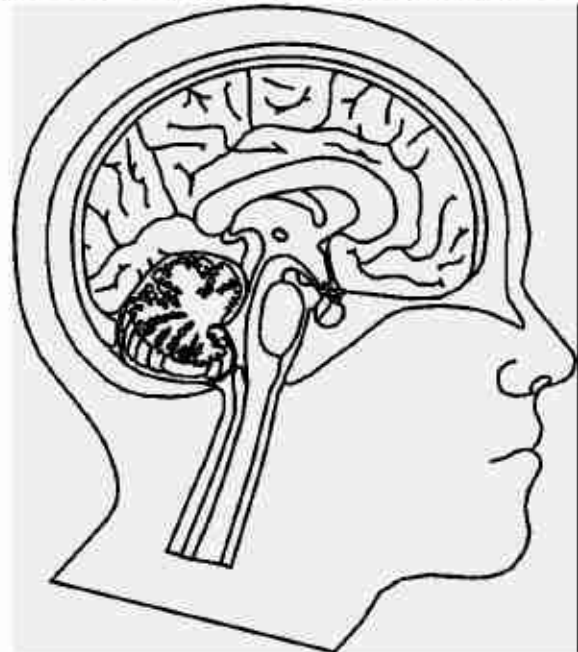
سختگیر و کمال جو وقتی در معرض فشار روحی قرار می گیرند، بر خستگی و افسردگیشان اضافه می شود. بطور خلاصه ولف می گوید: میگرنی ها کسانی هستند که بوقت بازی کار می کنند و وقتی باید استراحت کنند از میگرن رنج می برند. گویی چنین اشخاصی خود را از حقوق معمولی و مبتذل انسانی محروم می سازند. دکتر فیلیس کریناکر در مقاله جانبی که تحت عنوان بینائی: سردرد: هاله نور بر اساس روانکاوی نوشته مدعی شده است که عارضه میگرن زمانی در شخص بروز می کند که شخص در درون خود بشدت احساس پرخاشگری می کند ولی قادر نیست به دلیلی از دلایل آنرا بروز بدهد. مثلاً اگر یکنفر میگرنی در معرض توهین قرار گیرد و بخشم آید و نتواند خشمش را بروز بدهد، لذا آرامش ساختگی خود را حفظ کند. ساعتی بعد متوجه می شود که سردردی دارد عارضش می شود. میگرنی ها را می توان همانظوری که در آغاز مقاله نوشتم با تدبیر روانی معالجه کرد ولی در طب نیز دواهایی برای اینکار هست که باید مستقیماً با تجویز پزشک معالج استعمال شود. مثلاً دواهایی از نوع ارگوتامین در این مورد موثر است. بهترین راه برای تخفیف درد دراز کشیدن در اتاق تاریک است. اگر بخواب بروید چه بهتر. کودئین هم دارویی است که در این راه ممکن است موثر واقع شود ولی دوا را با اجلازه طیبب باید استعمال کرد. میگرنی ها باید دقت کنند بینند چه وقت به میگرن دچار می شوند گاهی قنلان غذا ممکن است موجب سردرد شود. از چنین غذاهایی البته باید پرهیز کرد. گاهی می شود که فاصله زیاد بین وعده های صرف غذا موجب سردرد می گردد. نور تند سوختگی ناشی از آفتاب و یا تماشای فیلمها ممکن است میگرن بیاورد.

میگرنی باید به استراحت عادت کنند عده ای از آنها چون از استراحت احساس گناه می کنند اینست که تا آنجا که می توانند بوجود خود شلاق می زنند تا هرچه بیشتر از او کار بکشند. اما نباید فراموش کرد که استراحت یک چیز لوس و غیر ضروری و تفتنی نیست بلکه از واجبات زندگی است.

غربی طبق آمار موجود بدان دچارند. زنان بیش از مردان گرفتار آن هستند.

عارضه میگرن بیشتر در دوره بلوغ بروز می کند و در زنان عموماً در حوالی دوران یائسگی از شدت و حدت می افتد اما اگر زنی در این دوران احساس کند که در زندگی جز شکست یا چیزی مواجه نشده و از این نوع افکار داشته باشد، بر شدت سردرد افزوده خواهد شد. تحقیقات طبی نشان داده است که میگرن یک بیماری پیچیده است زیرا با عوامل متعددی همراه است.

مدتها خیال می کردند که میان میگرن و آلرژی رابطه ای هست البته این راست است که گاهی اوقات میگرن جانشین تنگی نفس و انواع و اقسام آلرژی های پوستی و یک قسم سرما خوردگی مغزی می شود. بعضی از میگرنی ها متوجه شدند



وقتی که میگرنشان تخفیف می یابد تنگی نفس و یا اختلالات پوستی به سراغشان می آید. بعضی از زنان می گویند که چند روزی قبل از شروع دوران قاعدگی به میگرن دچار می شوند. در این دوره تن بعضی از زنان آب و نمک را زیر تاثیر فعالیت پاره ای از غدد نگاه می دارد و دفع می کند اینست که چنین زنانی در این دوره باید از خوردن نمک حتی المقدور امتناع ورزند.

عده دیگری از میگرنی ها از خستگی و افسردگی و سر گیجه یا منگی هم مینالند. سیاهی رفتن چشم، استفراغ و حالت تهوع در بعضی از سردردها عارض شخص می شود ولی نه در همه انواع و اقسام آن. یکی از مهمترین تحقیقاتی که درباره میگرن شده تحقیقی است که توسط دکتر ولف شده و بعنوان سردرد و سایر نازاحتها به انگلیس انتشار یافته است. دکتر ولف برای شناختن این نوع دردها از روانشناس کمک گرفته است و متوجه شد که بیشتر همانظوریکه در بالا گفته شد آدم های بیقرار، موشکاف و





توسعه شهری را در آینده با نظام معینی و با در نظر گرفتن رفاه عمومی سامان می بخشد.

امتیازات منطقه بندی

۱. پراکندگی جمعیت شهری را با توجه به کارکردهای مناطق داخلی شهر به صورت توازن و متعادل در می آورد و از تراکم جمعیت در بخش معینی از شهر جلوگیری می کند.
 ۲. نیازهای عمومی جامعه شهری را از نظر تأمین پارکها، مدارس، فروشگاهها، محلهای گذران اوقات و فراغت و خیابانها بر طرف می سازد. در نتیجه از اتلاف پول و وقت مردم جلوگیری می کند.
 ۳. سبب می شود سلامتی مردم تضمین گردد و با مکان یابی مناسب آلوده ساز در منطقه بندی شهری از تأثیرات آلودگیهای مختلف شهری و کانون های آلوده جلوگیری می کند.
 ۴. تعادل و توازن خاصی در فعالیت های شهری در سطح شهر به وجود می آورد.
- مشخصات منطقه بندی: ۱. منطقه بندی تراکمی ۲. منطقه بندی ارتفاعی ۳. منطقه بندی کاربری.
۱. **منطقه بندی تراکمی:** در منطقه بندی تراکمی بر تعیین و کنترل میزان جمعیت در منطقه واحدهای مسکونی تأکید می شود از امتیازات این نوع منطقه بندی الف. از تراکم زیاد جمعیت در منطقه واحدهای مسکونی جلوگیری می شود. ب. قیمت زمین برای مدتی ثابت می گردد. ج. سلامتی مردم از نظر استفاده از روشنایی نور تهویه هوا

تقسیم یک شهر را به مناطق ویژه با مرزهای معین برای نقش پذیری هر یک از مناطق را ((منطقه بندی شهری)) می گویند. منطقه بندی در واقع استفاده منطقی و نظام پذیر از زمینهای شهری در آینده بلند مدت است و در آن موقع میزان ارتفاع یابی، شکل میزان بهره گیری و ساختهای داخلی هر یک از مناطق مورد نظر است.

منطقه بندی روشی است که از طریق آن با توجه به کارکردهای داخلی شهرها از زمینهای شهری استفاده صحیح به عمل می آید. بدین سان که فضای کافی برای انواع مختلف فعالیتهای شهری توسعه شهر و کارکردهای شهری فراهم می شود، و هر بخش از فعالیتهای مهم شهری فضای خود را می یابد و با توجه به دیگر کارکردها و فعالیتها عمل می کند.

عوامل موثر در منطقه بندی:

۱. تعیین ارتفاع و دیگر ساختهای شهری
۲. تعیین میزان تراکم در هر یک از مناطق با توجه به نوع کاربرد آنها بدین گونه که فعالیتهای مختلف شهری جدا از هم اما در ارتباط با هم به بهترین وجهی به ایفای نقش بپردازند.
۳. تعیین میزان زمینهای مورد نیاز برای کارکردهای مهم شهری از قبیل تجارت، صنعت، بخش مسکونی.
۴. به کارگیری معیارهای عملی در داخل شهرها با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی هر جامعه شهری.
۵. حفظ و نگهداری آثار تاریخی شهرها نیز گاهی در آیین نامه های منطقه بندی گنجانده می شود.

اهداف منطقه بندی:

۱. اختصاص میزان معینی از زمینهای شهری به موضوع خاص و کارکرد خاص.
۲. کنترل استفاده از زمین
۳. قرار دادن امکانات لازم برای توسعه آینده شهر در اختیار برنامه ریزان شهری
۴. ایجاد هماهنگی لازم بین خدمات عمومی حمل و نقل تامین و ذخیره آب نیروی برق شهر.
۵. بویا و فعال ساختن برنامه ریزی شهری.





الف) در داخل شهرها با وسعت فعلی چه تعداد منطقه به وجود خواهد آمد؟

ب) برای هر یک از این مناطق شهری چه میزان زمین مورد نیاز است؟

ج) برای هر یک از این مناطق چه نوع زمینی مورد نیاز است؟

د) ارتباط فیزیکی میان مناطق مختلف شهری چگونه برقرار خواهد شد؟

ه) خطوط مرزی میان این مناطق چه خواهد بود؟ آیا این خطوط به صورت قراردادی تعیین خواهد شد؟

بطور کلی در هر منطقه بندی ابتدا محل مناطق مسکونی تجاری و صنعتی پس جایگاه مناطق دیگر مشخص می شود. علاوه بر مناطق مذکور در شهرهای بزرگ می توان بخشهای بسیاری را به منطقه بندی اضافه کرد. که بخشهای آموزشی و دانشگاهی، بخشهای اداری، بخش فرودگاه و ترمینال سازی بخش فضای آزاد، بخش گذران اوقات فراغت، بخش خرده فروشی، بخش ورزشی و غیره از آن جمله است.

صنایع در صورت استفاده از نیروی برق باعث آلودگی نمی شوند و می تواند بعضی از این صنایع در مجاورت منطقه مسکونی باشد. اما سبب آلودگی اگر باشد باید در بیرون از شهرها قرار گیرند.

تضمین می شود. د) بهره گیری از امکانات و خدمات عمومی به سهولت انجام می گیرد.

۴. **منطقه بندی ارتفاعی:** کنترل ارتفاع ساختمانها را برعهده دارد. در این منطقه از مجاورت ساختمانهای بلند مرتبه با واحدهای مسکونی چند طبقه جلوگیری می شود و بخشهای خاصی برای این منظور در نظر گرفته می شود.
۳. **منطقه بندی کاربردی:** ۱. مسکونی ۲. تجاری، ۳. صنعتی، ۴. منطقه گذران اوقات فراغت و منطقه فرهنگی.

سهم هر یک از این مناطق در شهرها و کشورهای مختلف جهان متنوع است. منطقه مسکونی ۴۰ تا ۵۰ درصد، منطقه تجاری ۲ تا ۵٪ و منطقه صنعتی ۲ تا ۲۵٪ منطقه فرهنگی و گذران اوقات فراغت باقیمانده زمین شهر، در اینجا مشخصات هر یک از این مناطق به طور خلاصه و مفید بیان می کنیم.

الف) منطقه مسکونی: باید بدور از کانونهای آلودگی هوا، آلودگی صوتی، بوهای زننده انتخاب شود. این منطقه باید در مجاورت بازار یا پارکها قرار گیرد.

ب) منطقه تجاری: این منطقه در مجاورت مراکز حمل و نقل قرار می گیرد و در آن زمین کافی برای ایجاد بانکها، اداره ها، بازارها، انبارها، مغازه ها در نظر گرفته شود.

ج) منطقه صنعتی: صنایع در صورت استفاده از نیروی برق باعث آلودگی نمی شوند و می تواند بعضی از این صنایع در مجاورت منطقه مسکونی باشد. اما سبب آلودگی اگر باشد باید در بیرون از شهرها قرار گیرند.

د) منطقه فرهنگی یا گذران اوقات فراغت: سینما، دانشگاهها، پارکها، و باشگاههای ورزشی می باشد که ممکن است در سراسر شهر و در محله های مختلف شهری ایجاد شود.

تهیه نقشه منطقه بندی

برای تهیه نقشه منطقه بندی شهری باید اطلاعاتی به این شرح گردآوری شود:

۱. میزان استفاده فعلی از قطعات داخلی شهرها
 ۲. محل و ظرفیت خیابانها و مسیرها
 ۳. محل خیابانهای نوساز در ۵ سال آینده.
 ۴. محل و مشخصات همه زمینهای خالی در داخل شهرها
 ۵. عرض خیابانها و ارتفاع ساختمانها
 ۶. ابعاد قطعات زمین
 ۷. تعداد خانوار در هر یک از واحدهای مسکونی
 ۸. نقشه کاربری زمین در زمان حال
- برای تهیه منطقه بندی باید پاسخ منطقی به سوالهای زیر در دسترس باشد.



الهی

دلی ده که طاعت افرازد

طاعتی ده که به بهشت راهمگون آید

علمی ده که در آتش هوا نبود

علمی ده که در او آب ریا نبود

دیدهای ده که عزت ربوبیت تو بیند

ساز

Click magazine

هر کودکی

با این پیام

به دنیای آید که خدا

هنوز از انسان

نومید نیست

خدا

